



رسیدگی به شکایات انتخاباتی:

افغانستان و خطرات عدم قانونمداری

نگاهی به محکمه اختصاصی انتخابات - ۲۰۱۰

غزال حارس

حمل ۱۳۹۳

۱۲ سال
تحقیق باکیفیت



واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

سلسله نشرات موردی

رسیدگی به شکایات انتخاباتی: افغانستان و خطرات عدم قانونمداری

نگاهی به محکمه اختصاصی انتخابات - ۲۰۱۰

غزال حارس

حمل ۱۳۹۳

کمک مالی برای اجرای این تحقیق از سوی
انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا و سفارت فنلند فراهم شده است.

مترجم: برشنا نظری
 طرح و دیزاین: احمد سیر علمیار
 کود نشریه: ۱۴۰۴D

© ۱۳۹۳، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بعضی از حقوق محفوظ است. این نشریه میتواند چاپ مجدد و تکثیر گردد، و یا در دستگاه های قابل بازیابی ذخیره، و یا به هر شکل و توسط هر وسیله یی، اعم از برقی، ضبطی و دیگر وسایل با ذکر مشخصات نویسنده و واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان انتقال گردد. هر گونه استفاده تجارتي و خرید و فروش آن مجاز نیست. هرگاه این نشریه چاپ مجدد و یا به صورت برقی به دسترس گذاشته میشود، باید خط ارتباطی به سایت انترنتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (www.areu.org.af) در آن چاپ و یا روی صفحه انترنتی گذاشته شود. برای هرگونه استفاده که در فوق مشخص نگردیده است، باید اجازه تحریری قبلی ناشر (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) از آدرس سایت انترنتی areu@areu.org.af و یا تماس با شماره ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰)۰۰۹۳ بدست آید.

درمورد نویسنده:

غزال حارس استاد در پوهنچى حقوق پوهنتون امریکائی افغانستان در کابل است و حقوق اساسی را تدریس می کند. وی قبل از پیوستن به پوهنتون امریکایی افغانستان، به عنوان رییس اجرایی برنامه ملی انکشاف صنایع روستایی، که یک برنامه ملی در چهارچوب وزارت احیا و انکشاف دهات است، کار می کرد. وی همچنان به عنوان مدیر اجرایی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (فیفا) در جریان نخستین انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ میلادی ایفای وظیفه کرده و دربخش فعالیت های وابسته به تقویت نقش ارگان های نظارت کننده انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۵ میلادی فعالیت داشته است. وی در رشته حقوق ازدانشکده بخش مطالعات افریقا و خاور، از دانشگاه لندن بریتانیا، ماستری دارد.

درباره واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مؤسسه مستقل پژوهشی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و طرز العمل و انتشار نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. این اداره سعی مینماید تا با دخیل ساختن پالیسی سازان، جامعه مدنی، محققین و دانش آموزان زمینه های استفاده از تحقیقات و کتابخانه این اداره را جهت تقویت ظرفیت پژوهشی آنان، و ایجاد فرصت ها برای بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی در کشور فراهم سازد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۲۰۰۲ با همکاری موسسات امدادی فعال در افغانستان بوجود آمد که نماینده های آن متشکل از هیأت مدیره، تمویل کنندگان، ملل متحد و دیگر دفاتر و موسسات غیر دولتی می باشد. این واحد بیشتر از سوی دولت های فنلند، سوئد و سوئیس پشتیبانی مالی می شود.

در سال ۲۰۱۴ میلادی پروژه های مشخصی از سوی کمیسیون اروپا (EC)، اداره توسعه و همکاری سوئیس (SDC)، موسسه بین المللی برای توسعه (ODI)، برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، پوهنتون آسیای مرکزی (UCA)، بانک جهانی، انستیتیوت صلح ایالات متحده امریکا (USIP)، همکاری های تکنیکی آلمان (GIZ) و سفارت فنلند تمویل میگردد.

سپاسگزاری

این تحقیق بدون همکاری و سهمگیری با ارزش مصاحبه شونده‌گانی که وقت شان را وقف نموده و نظرات شان را روی موضوعات مطروحه ارائه نموده اند، ناممکن بود. بدون ارائه نظرات مصاحبه شونده‌گان و به دسترس قرار دادن نوشته های معلوماتی، این تحقیق نیز ناقص میماند. نویسنده این تحقیق در عین حال از همکاری نافع چوده‌ری، کارمندان واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا به خاطر ارائه نظرات با ارزش شان روی نسخه ابتدایی این تحقیق سپاسگزاری میکند. همچنان از واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به خاطر تصحیح و بازخوانی این نوشتار تشکر می کنم. با وجود این همه، مسوولیت کمبودات این گزارش به خودم بر می گردد.

غزال حارس

حمل ۱۳۹۳

فهرست مطالب

۱	خلاصه
۲	۱. مقدمه
۴	۲. روش تحقیق
۵	۳. زمینه: چهارچوب حقوقی انتخابات در افغانستان و وضعیت قانونمداری
۵	۳.۱ قانون اساسی افغانستان
۶	۳.۲ قوانین انتخاباتی
۱۱	۳.۳ قانونمداری و تفکیک قوا در افغانستان
۱۳	۴. انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰
۱۳	۴.۱ یک سال در بحران: روز شمار وقایع
۱۳	۴.۲ بررسی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰
۱۴	۴.۳ تقلب انتخاباتی
۱۵	۴.۴ پاسخ کمیسیون مستقل انتخابات
۱۶	۴.۵ رسیدگی به شکایات انتخاباتی
۱۶	۴.۶ اعلان نتایج ابتدایی و نهایی
۱۸	۵. محکمه اختصاصی انتخابات
۱۸	۵.۱ سکوت ستره محکمه در مورد محکمه اختصاصی
۱۸	۵.۲ مبنای قانون اساسی و قوانین وضعی
۲۱	۵.۳ اجراءات محکمه
۲۱	۵.۴ مبنای سیاسی؟
۲۲	۵.۵ انحلال محکمه و انتقال صلاحیت ها به کمیسیون مستقل انتخابات
۲۳	۵.۶ استقلال قضایی: واقعیت یا تخیل؟
۲۴	۵.۷ آینده نهاد های انتخاباتی
۲۷	۶. درس های که از انتخابات فرا گرفته شد
۲۷	۶.۱ سفارشات:
۳۰	ضمیمه
۳۱	ماخذ:

مخففات

لوی سارنوالی (دادستانی کُل)	AGO
کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	AIHRC
کمیسیون شکایات انتخاباتی	ECC
بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان	FEFA
کمیسیون موقت انتخابات	IAEC
پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی	ICCPR
کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی	ICOIC
کمیسیون مستقل انتخابات	IEC
کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی	IECC
دفتر مشترک تنظیم انتخابات	JEMB
قانون تنظیم و صلاحیت محاکم	LOJC
عضو پارلمان	MP
اداره امور و دارالانشای شورای وزیران افغانستان	OOACOMS
سازمان امنیت و همکاری اروپا / اداره نهاد های دموکراتیک و حقوق بشر	OSCE/ODIHR
کمیسیون های ولایتی شکایات انتخاباتی	PECCs
نماینده تناسبی	PR
ستره محکمه (دادگاه عالی)	SC
رای واحد غیر قابل انتقال	SNTV
اعلامیه جهانی حقوق بشر	UDHR
سازمان ملل متحد	UN
هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان	UNAMA

خلاصه

قانون اساسی افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای شهروندان افغانستان تضمین کرده و زمینه تاسیس کمیسیون مستقل انتخابات را به هدف اداره و نظارت از انتخابات در این کشور، فراهم نموده است. اما این درحالی است که قانون اساسی هیچ صراحت و جزئیاتی را در مورد چهارچوب و مسوولیت های کمیسیون مستقل انتخابات به شمول میکانیزم یا شیوه های حل شکایات انتخاباتی، ارائه نکرده است. این جزئیات باید جدا در قانون وضع شود.

در عدم موجودیت پارلمان، قوانین انتخاباتی سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ با استفاده از فرامین ریاست جمهوری تصویب شدند. حتی پس از آنکه پارلمان تاسیس شد، باز هم قوانین انتخاباتی سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی، بدون کوچکترین مشوره با جامعه مدنی، احزاب سیاسی یا اعضای پارلمان و سایر نهادهای مرتبط، با استفاده از فرامین ریاست جمهوری تصویب و مورد اجرا قرار می گرفت.

کمیسیون شکایات انتخاباتی به هدف داوری یا قضاوت شکایات وابسته به جریان انتخابات، در سال ۲۰۰۵ براساس قانون انتخابات تاسیس گردید. اما قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی و تغییراتی که بعدا در آن به وجود آمد، دارای ابهامات و فاقد طرزالعمل های مشخص بود. در بعضی موارد، این قانون باعث ایجاد صلاحیت های موازی برای بررسی شکایات انتخاباتی در میان کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی گردید. با وجود این که بیطرفی و تعهد کمیسیون شکایات انتخاباتی مورد ستایش قرار گرفته بود، اما در عمل، این کمیسیون به خاطر عدم داشتن منابع و وقت، با چالش های جدی نیز رو به رو بود.

کمیسیون شکایات انتخاباتی به علاوه کمبوداتی که در چهارچوب قانونی خود داشت و با کمبود نیروی فزینی رو به رو بود، درعین حال از فشارهای موجود که توسط حکومت در جریان انتخابات سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ اعمال می شد، نیز متأثر بود. مداخله حکومت در کار کمیسیون شکایات انتخاباتی در سال ۲۰۱۰ میلادی فراگیر بود. حکومت در تلاش تغییر دادن نتایج انتخابات با استفاده از هر شیوه ممکن به شمول اقدامات فراتر از چهارچوب قانون اساسی بود. حکومت از لوی سارنوالی و همچنان محاکم برای وارد کردن فشار قوی به خاطر تغییر دادن تصامیم کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی استفاده کرده بود.

زمانی که حکومت نتوانست این کمیسیون ها را وادار نماید، محکمه اختصاصی انتخابات را به عنوان وزنه بی در برابر کمیسیون انتخابات ایجاد کرد. دلایل حقوقی که به اساس آن این دادگاه ایجاد شده بود، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت، اما با وجود این همه، این محکمه تاسیس شد و کار آن نزدیک به شش ماه ادامه یافت.

پس از دستیابی به یک تفاهم سیاسی، در نهایت این محکمه ملغی گردید. در نتیجه این تفاهم سیاسی، کمیسیون مستقل انتخابات توافق کرد تا نتایج نهایی انتخابات را تغییر بدهد. این رویداد باعث گردید تا نه تن از اعضای پارلمان (کسانی که اساساً در انتخابات برنده شده بودند) از فهرست برنده گان انتخابات حذف گردیده و به عوض آنان نه تن دیگر جایگزین شوند. این درحالی است که نتایج انتخابات بدون توجیهی که بر مبنای قانون اساسی و قوانین انتخابات صورت بگیرد، تغییر یافت.

آنچه در جریان انتخابات سال ۲۰۱۰ میلادی رخداد، نشاندهنده ضعف در تقسیم قدرت در افغانستان بود که قانون اساسی و حاکمیت قانون را در موجودیت حکومت قانونی، به مخاطره می اندازد. عدم موثریت پارلمان به عنوان قوی ترین ارگان نظارت کننده، وابسته بودن قوه قضاییه به حکومت و تفویض بیش از حد قدرت به قوه اجراییه در قانون اساسی، همه دست به دست هم داده و برای قوه اجراییه زمینه اقدامات فراتر از قانون را در موارد زیادی فراهم کرد.

برای موثریت انتخابات در افغانستان، نیاز است تا این کشور به قانونیت و حاکمیت قانون احترام بگذارد، تفکیک واقعی و با مفهوم قدرت که انعکاس دهنده قوه اجراییه مهار شده، پارلمان قوی، قوه قضایی بیطرف و مستقل، نهادهای غیرجانبدار انتخابات و در نهایت، نهادهای قدرتمند نظارت از انتخابات را که بتوانند به مردم آگاهی بدهند، ایجاد نمایند.

تفکیک قوا در افغانستان در آستانه ناکامی قرار دارد. از این ناکامی بیشتر در یک قوه، صاحبان منافع سود می برند. به همین دلیل ایجاد اصلاحات در قانون اساسی برای تامین مجدد توازن قدرت در بین ارکان سه گانه دولت، ضروری است. اما برای آن که این اصلاحات مجال عملی شدن بیابد، نخست باید اراده سیاسی به میان بیاید. در صورتی که عدم موثریت ادارات دولتی به شمول نهادهای برگزار کننده انتخابات، همچنان ادامه بیابد، مردم افغانستان اعتماد شان را نسبت به این ادارات از دست خواهند داد. سرانجام ادامه وضعیت کنونی منجر خواهد شد تا دستاوردهای یک دهه گذشته در افغانستان به خصوص پذیرفتن قانون اساسی جدید و ایجاد اداراتی که نمایندگی از مردم بکنند، به مخاطره بیفتد.

۱. مقدمه

اگر تاریخ انتخابات افغانستان پدیده قرن بیست و یکم خوانده شود، حرف نادرستی نیست. با آنکه افغانستان تجربه چندین انتخابات را در جریان یک قرن گذشته داشته است، اما این تجربه ها با روش های پذیرفته شده بین المللی جهت برگزاری انتخابات دموکراتیک، همخوانی نداشته است.

افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی پس از سقوط رژیم طالبان روند دموکراسی را در پیش گرفت که منتج به تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۴ گردید. برگزاری انتخابات بخشی از نقشه راه یا خط مشی است که در بُن مورد تأیید قرار گرفت و به عنوان بخش قابل ملاحظه در قانون اساسی سال ۲۰۰۴ میلادی، جا داده شد. قانون اساسی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن شهروندان افغان را به رسمیت شناخته و ایجاد نهادهای اجرایی و قانونگذار را که افراد با استفاده از آنها از طریق انتخابات آزاد و منصفانه برگزیده شوند، فراهم نموده است. از زمان تصویب قانون اساسی تاکنون، افغانستان شش انتخابات را برگزار کرده است. در این جریان دو مرتبه انتخابات ریاست جمهوری، دو مرتبه انتخابات پارلمانی و دو مرتبه انتخابات شوراهای ولایتی راه اندازی گردیده است. در وهله نخست، آنطوری که در قانون اساسی ذکر شده است، تلاش صورت گرفت تا سه انتخابات به طور قطعی در سال ۲۰۰۴ میلادی برگزار شود. با وجود پیچیدگی در مسئله برگزاری همزمان انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی، توافق صورت گرفت که این دو، پس از انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. برای برگزاری نخستین انتخابات ۱۰،۵ میلیون نفر کارت رای دهی به دست آوردند که از این میان ۸۰ درصد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ شرکت کردند.

دفتر مشترک تنظیم انتخابات که همانا کمیسیون مستقل انتخابات به حمایت یوناما یا هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان بود، سه انتخابات نخست را که عبارت بودند از انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی، برگزار کرد. پس از آن کمیسیون مستقل انتخابات برای برگزاری سه انتخابات بعدی، جایگزین دفتر مشترک تنظیم انتخابات گردید. کمیسیون شکایات انتخاباتی برای بار نخست در سال ۲۰۰۵ میلادی تاسیس شد و روند نظارت از انتخاباتی را که پس از آن برگزار شد، به عهده داشت.

برگزاری انتخابات، چه در دموکراسی های نوپا و یا کهن، یگانه راه دستیابی به قدرت مشروع است، با این حال، این روند با یک سری جنجال ها همراه است. با وجودیکه شیوه های متفاوت برای رسیدگی به منازعات و شکایات انتخاباتی ایجاد گردیده، اما برای کشورهای در حال گذار به دموکراسی، ایجاد رویکرد یا میکانیسمی که به دور از مداخله و نفوذ حکومت و سایر شرکای قدرت باشد، ضروری است.

به مثابه اصل محوری، به هدف تامین مطابقت کامل با قوانین و حفظ و احیای قوانین انتخاباتی و استفاده از حقوق انتخاباتی، میکانیسم حل منازعات انتخاباتی باید مبدل به عدالت انتخاباتی گردد.^۱ نبود و یا ضعف مدیریت در رسیدگی به شکایات انتخاباتی، نه تنها تهدیدهای جدی را متوجه انتخابات آزاد و شفاف می سازد، بلکه باعث ایجاد وضعیتی نیز شده می تواند که فرصت مداخله از سوی افراد و گروه های متعدد در پروسه انتخابات فراهم شود و حاکمیت قانون و طرفداری از حکومت قانونی را به مخاطره بیندازد.

بنا به منظور رسیدگی به شکایات انتخاباتی، بدون به مخاطره انداختن پروسه سیاسی، نیاز مبرم احساس می شود که حکومت در یک چهارچوب قانونی و روشن و در مشوره با نهادهای ذیدخل، کمیسیون ها و یا نهادهای تنظیم کننده انتخابات و رسیدگی به شکایات انتخاباتی را ایجاد نماید و به تصامیم قانونی این نهادها احترام بگذارد تا سرانجام این نهادها حقوق اتباع را برای رای دادن محفوظ نگهدارند.

این موضوع نیز با اهمیت است که این چهارچوب قانونی، تعریف مشخصی میان تخطی های انتخاباتی و جرایم انتخاباتی ارائه نماید تا بر اساس آن مسوولیت های مقامات بررسی کننده شکایات انتخاباتی و همچنان نهادهای مجری قانون، روشن باشد. در عین حال بسیار مهم است که مقامات رسیدگی به شکایات انتخاباتی مقررات، طرز العمل ها و رهنمودهای واضحی را برای رسیدگی به منازعات انتخاباتی ایجاد نمایند. این نهادها باید قبل از برگزاری انتخابات تماس های وسیعی با مردم، کاندیداها، احزاب سیاسی، نمایندگان احزاب و نهادهای نظارت کننده انتخابات داشته باشند و به آنان در مورد تخطی ها و یا جرایم انتخاباتی براساس آنچه در قانون ذکر گردیده است، معلومات بدهند.

این گزارش تحقیقی، انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ میلادی را به عنوان یک قضیه تحقیقی، مورد بحث قرار می دهد تا شیوه کنونی و وضعیت رسیدگی به شکایات و منازعات انتخاباتی را در افغانستان مورد مطالعه قرار بدهد. این گزارش چهارچوب قانونی، صلاحیت نهادهای برگزار کننده انتخابات و شیوه های رسیدگی به شکایات انتخاباتی را تشریح میکند و همچنان تحلیل منتقدانه یی از اقدام رئیس جمهوری برای ایجاد محکمه اختصاصی انتخابات (که منبع در این گزارش بنام محکمه یاد میگردد) پس از انتخابات را ارائه می نماید. این گزارش به این نتیجه رسیده است که تاسیس این محکمه هیچ مبنا و بنیاد قانونی و حقوقی نداشت. بنا این موضوع به اثبات می رسد که قوه اجراییه از قدرت خود برای نفوذ بی مورد در کار قوه قضاییه دولت، سو استفاده کرده است.

این گزارش همچنان صلاحیتهای موازی ستره محکمه و کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی جهت تفسیر قانون اساسی را تحلیل نموده و به این نتیجه دست یافته است که بازیگران قدرت در خصوص مسایلی که با آن رو به رو شده بودند، برای اتخاذ تصمیم دلخواه خودشان از این نهادها، به این دو نهاد به صورت متبادل مراجعه نموده اند. نبود چنین وضاحت منجر به تحت شعاع قرار گرفتن صلاحیت های قضایی گردیده و حالت سردرگمی یا ابهام را به وجود آورده است که میتواند زمینه مداخله آسان قوه اجراییه و سایر نهادها را فراهم سازد.

۱ هوزی دو جی سوزاندهینرگوز و ایمان ایوب، عدالت انتخاباتی، رساله IDEA بین المللی (سکپلم، ایدای بین المللی، ۲۰۱۰).

این گزارش نتیجه میگیرد که پس از گذشت یک دهه از ایجاد دولت بر مبنای قانون اساسی در افغانستان، تفکیک قوا، استقلالیت قوه قضائیه، حاکمیت قانون و همچنان قانونمداری در معرض خطر قرار دارد. در حالی که بسیاری از بازیگران و صاحبان قدرت، هنوز هم به خاطر علائق شان چنین وضعیتی را حفظ کرده اند. اگر به این وضعیت پایان داده نشود، دستاوردهای یک دهه گذشته در افغانستان، به ویژه روند پذیرفته شدن قانون اساسی و تاسیس نهادهای نمایندگی را به مخاطره می اندازد.

۲. روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از شیوه کاربرد معلومات کتابخانه‌یی و جمع‌آوری معلومات ابتدایی از طریق مصاحبه شونده‌گان کلیدی و نظریات سهم‌گیرندگان، استفاده شده است. در این تحقیق با افراد متعدد ذیدخل در روند انتخابات مصاحبه صورت گرفته است. به این مسئله نیز توجه صورت گرفته است تا مصاحبه شونده‌ها دارای معلومات و نقطه نظرات گوناگون باشند، تا در ابراز نظرها پیرامون موضوعات مورد تحقیق توازن وجود داشته باشد.

مصاحبه شونده‌گان کلیدی در این گزارش تحقیقی عبارت بودند از کمیشنران سابق و کنونی کمیسیون مستقل انتخابات (IEC) و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی (IECC)، اعضای خارجی اسبق کمیسیون شکایات انتخاباتی، قانوندانان و حقوقدانان، کاندیداهای انتخابات ۲۰۱۰، اعضای شورای ملی، اعضای هیئت قضایی و سایر مسوولین انتخاباتی و حقوقی و کارشناسان سیاسی و انتخاباتی. در این جریان تلاش شده است تا به نظرات افراد موافق و مخالف در مورد ایجاد محکمه گوش داده شود. در مجموع ۲۷ مصاحبه در این مورد صورت گرفته است.

معیارهای انتخاب افراد برای مصاحبه قرار ذیل بوده است: (۱) اشتراک مستقیم مصاحبه شونده به عنوان یک مقام در جریان انتخابات و یا هم‌کاندیدای انتخابات. (۲) کارشناس حقوقی. (۳) کارشناس سیاسی و (۴) شخص دارای معلومات کافی در مورد پروسه انتخابات و بررسی شکایات انتخاباتی.

اگرچه در این تحقیق از پرسشنامه‌های از قبل ترتیب شده استفاده نشده است تا مصاحبه شونده‌ها بتوانند نظرات خود را به صورت آزادانه ابراز کنند ولی بعضی سوال‌های که طرح شده بود تا از اشتراک‌کننده‌ها پرسیده شود، قرار ذیل است: (۱) آگاهی در مورد رسیدگی به شکایات انتخاباتی (ECC) از سال ۲۰۰۵ میلادی به این طرف. (۲) موثریت کمیسیون شکایات انتخاباتی در جریان برگزاری سه انتخابات گذشته در افغانستان. (۳) نظر آنان در مورد ایجاد محکمه اختصاصی انتخابات. (۴) مشروعیت و مبنای قانونی بودن ایجاد محکمه. (۵) خالیگاه‌های چهارچوب قانونی انتخابات. (۶) جنجال‌های برخاسته از ابهامات قانونی و (۷) نظرات آنان در مورد اقدامات برای تقویت این پروسه در آینده.

عوامل مشخصی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بالای این مطالعه تحقیقی تاثیر داشته است، منجمله دسترسی به اطلاعات با چالش‌های همراه بود. این تحقیق واقعه‌یی را مورد بررسی قرار می‌دهد که سه سال قبل رخ داده بود. کمیسیون شکایات انتخاباتی یک نهاد دایمی نبود، و تا همین چندی قبل نیز این نهاد دارای دفتر دارالانشا نبود و یا هم‌بایگانی یا آرشیوی که فعالیت‌های آن در آن ثبت باشد، وجود نداشت. کدام هسته مرکزی هم برای نگهداری معلومات آن وجود نداشته است، در نتیجه تحقیق‌کننده منابع متعدد را به هدف دسترسی به معلومات مرتبط، مورد استفاده قرار داده است. این تحقیق همچنان متکی به معلوماتی است که از طریق مصاحبه‌ها به دست آمده است، به خصوص مصاحبه شونده‌گانی که به صورت مستقیم در پروسه انتخابات سهم داشتند. باید خاطر نشان بسازیم که برخی معلومات از سوی مسوولین و یا هم‌مصاحبه شونده‌ها در اختیار ما قرار نگرفته است، زیرا از آن به نام «سری» یاد گردیده و لازم دیده نشده است تا از آن در تحقیق استفاده شود. به صورت مشخص اسنادی که از طرف این نهادها شریک ساخته نشدند نامه‌ها و مکاتیب بودند که در جریان انتخابات بین این نهادها تبادل شده بود.

در ضمن، تعدادی از مصاحبه شونده‌ها که همین اکنون در پست‌های که رئیس‌جمهور آن را تصویب کرده است کار می‌کنند، در جریان مصاحبه احساس راحتی نمی‌کردند تا در مورد تجربه‌های خود آزادانه صحبت نمایند. در عین حال، مصاحبه شونده‌گانی که از قوه قضاییه بودند در مورد قضا و ناتوانی‌های آن به راحتی ابراز نظر نمی‌کردند. با آنکه چندین بار با رئیس محکمه اختصاصی از سوی تیم تحقیق‌کننده تماس برقرار گردیده بود، اما وی از مصاحبه خودداری کرد. تحقیق‌کننده به هدف ایجاد توازن و رسیدگی به کمبودات، با چهره‌ها یا افراد متعددی که به صورت مستقیم در پروسه انتخابات سهم داشتند، مصاحبه انجام داده و همچنان از مواد نشر شده ستره محکمه SC، کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی (ICOIC)، کمیسیون مستقل انتخابات (IEC) و سایر نهادها که معلومات انتقادی وابسته به رویدادها و موضوع را نشر کرده بودند، استفاده کرده است.

۳. زمینه: چهارچوب حقوقی انتخابات در افغانستان و وضعیت قانونمداری

۳.۱ قانون اساسی افغانستان

موافقتنامه بُن برای افغانستان پس از طالبان، یک آینده دموکراتیک را ترسیم کرد و تصویب قانون اساسی جدید را نیز تجویز نمود. این موافقتنامه همچنان چهارچوب کاری برای یک حکومت نماینده را که از طریق انتخابات آزاد و عادلانه برگزیده شده باشد، فراهم کرد.^۲ زمانی که قانون اساسی افغانستان در سال ۲۰۰۴ میلادی به تصویب رسید، این قانون پیوستن افغانستان را به اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) و سایر پیمان‌های بین‌المللی تسجیل نمود.^۳ اعلامیه حقوق بشر اراده مردم را که از طریق انتخابات واقعی بیان شده باشد، به عنوان اساس اقتدار حکومت‌ها، به رسمیت می‌شناسد.^۴ عهدنامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) حقوق اتباع را به هدف دادن رای و انتخاب شدن از طریق رای عمومی و مساوی، تضمین می‌کند.^۵ قانون اساسی سال ۲۰۰۴ بعداً این مسئله را مشخص ساخت که رای دادن و اشتراک در انتخابات، یک حق جهانی همه اتباع کشور است. بخش بعدی این گزارش مفاد قانون اساسی را در رابطه به انتخابات در افغانستان ارائه می‌کند.

قانون اساسی افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای اتباع افغانستان تضمین کرده و زمینه تاسیس کمیسیون مستقل انتخابات را به هدف اداره و نظارت از انتخابات در این کشور، فراهم نموده است.^۶ کمیسیون مستقل انتخابات برگزارکننده انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی، شورای ولایتی، شورای ولسوالی، شورای شهرداری، شورای قریه یا محل و انتخابات شهردارها می‌باشد.^۷ این درحالی است که قانون اساسی هیچ صراحت و جزئیاتی را در مورد چهارچوب اجراءات و مسوولیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات ارائه نکرده است. قانون اساسی صرف بیان داشته است که کمیسیون مستقل انتخابات مسوول تدقیق وثائق انتخاباتی اعضای شورای ملی است.^۸ درحالی که قانون اساسی جزئیات اضافی به شمول ایجاد شیوه‌های حل شکایات انتخاباتی را ارائه نکرده است که نیاز است بعداً طی قانون جداگانه تصویب گردد.^۹

قانون اساسی فاصله زمانی میان تصویب قانون اساسی و تاریخ افتتاح نخستین شورای ملی را به عنوان "دوره انتقالی" یاد کرده است. طی این دوره دولت موقت مسوولیت دارد تا کمیسیون مستقل انتخابات را به هدف تنظیم انتخابات، تاسیس نماید. قانون اساسی همچنان صراحت دارد که در جریان دوره موقت، قوانین وابسته به انتخابات توسط فرمان‌های رئیس جمهوری نافذ شده می‌توانند. این قوانین باید به نخستین مجلس شورای ملی ارائه میشد و الی تعدیل و تصویب آن توسط قانونگذاران شورای ملی کماکان نافذ محسوب میشد.^{۱۰} این درحالی است که در عمل، حتی پس از دوره انتقالی نیز قوانین انتخاباتی به عوض این که از سوی پارلمان به تصویب برسد، همچنان با استفاده از فرامین تقنینی رئیس جمهور مرعی الاجرا باقی ماند.

قانون اساسی افغانستان همچو سایر قوانین اساسی، در مورد نظام انتخاباتی صراحت ندارد. قانون اساسی صرفاً حق تاسیس احزاب سیاسی را مشخص ساخته است.^{۱۱} در حالی که سوال در مورد تصمیم‌گیری پیرامون ایجاد یک سیستم مقتضی انتخاباتی که در قانون گنجانده شود، بالاتکلیف مانده و به آینده ماکول گردیده است. موجودیت چنین انعطاف‌پذیری به خصوص در جوامع پس از بحران، به قوه مقننه اجازه میدهد که سیستم انتخاباتی را براساس کارایی سیستم و واقعیت‌ها، اصلاح نماید. در وهله نخست انتظار می‌رفت که پروسه طرح و تصویب سیستم انتخاباتی مبتنی بر اشتراک طیف وسیعی از افراد و گروه‌ها، و از همه مهمتر، احزاب سیاسی باشد.

درحالی که حکومت در عمل، به طور یک جانبه اقدام نموده و یک سری از قوانین انتخاباتی را بدون مشوره با طرف‌های مختلف، در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰ میلادی وضع کرد. به صورت مشخص حکومت تصمیم گرفت تا سیستم رای واحد غیر قابل انتقال (SNTV) را با وجود مخالفت‌های وسیع از سوی احزاب سیاسی و جامعه مدنی در برابر این سیستم، در کشور مورد اجرا قرار بدهد.^{۱۲}

۲ موافقتنامه در باره تشکیلات موقتی در افغانستان تا زمان تاسیس مجدد نهادهای دایمی دولتی (کنفرانس بُن) شرط عمومی ۲۰۰۱.۴.

۳ ماده ۷ قانون اساسی افغانستان

۴ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۱، ۱۹۴۸

۵ ماده ۲۵، عهدنامه بین‌المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی، سال ۱۹۶۶

۶ قانون اساسی افغانستان، ماده ۳۳، ۱۵۶، ۲۰۰۴

۷ درحالی که در قانون اساسی افغانستان از برگزاری هفت انتخابات یاد اوری گردیده است، اما تاکنون انتخابات شورای ولسوالی، شورای قریه یا محل و انتخابات شورای شاروالی‌ها برگزار نشده است. گزارش شده است که این انتخابات به دلیل هزینه‌های گزاف که هریکی آن زمان جداگانه دارند، تاکنون برگزار نگردیده است. به طورمثال مقاله ذکرها بارکزی را که در مورد انتخابات ریاست جمهوری و شورا‌های ولایتی در افغانستان در سال ۲۰۱۴ است، و از سوی انستیتوت صلح ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ در واشنگتن دی سی، منتشر گردیده است، مطالعه کنید.

۸ ماده ۸۶ قانون اساسی افغانستان، سال ۲۰۰۴

۹ ماده ۱۵۷ قانون اساسی افغانستان، سال ۲۰۰۴

۱۰ ماده ۱۵۹ قانون اساسی افغانستان، سال ۲۰۰۴

۱۱ ماده ۳۵ قانون اساسی افغانستان، سال ۲۰۰۴

۱۲ بر اساس این سیستم، رای دهنده یک رای دارد که برای کاندید مورد علاقه خود در یک ناحیه کثیرالعضو استفاده می‌کند. کاندید یا نامزدی که دارای بیشترین رای باشد برنده اعلان می‌شود. در میان سایر عدم مزیت‌های که دارد، این سیستم به عنوان چالش در برابر احزاب سیاسی واقع گردیده است زیرا چندین عضو یک حزب برای به دست آوردن یک رای رقابت می‌کنند، یعنی که ارا در یک حوزه انتخاباتی تقسیم می‌گردد. این روش باعث ایجاد پراکنده گی و ناسازگاری در حزب می‌گردد. این سیستم نیاز به طرح استراتژی از سوی احزاب در زمینه ارائه کاندیدها و تنظیم ارا دارد، که با توجه به ضعیف بودن احزاب سیاسی، این کار کمتر متصور است. برای مطالعه بیشتر به رساله چاپ شده رینولد، بن ریلی و اندریو الیس در خصوص طرح سیستم انتخاباتی، رساله " مفکره های جدید جهانی " چاپ استهکلم سال ۲۰۰۸، رجوع شود.

۱۳ برای دریافت جزئیات بیشتر در مورد سیستم رای واحد غیر قابل انتقال و مفهوم آن در پارلمان‌ها و آینده دموکراسی در افغانستان به رساله اندریو رینولد و جان کیری زیر عنوان " بهبودی سیستم انتخابات در افغانستان، استدلال‌ها و گزینه‌ها برای اصلاح " چاپ شده توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، کابل سال ۲۰۱۲

درحالی که بسیاری از کشورها از انعطاف های موجود در قوانین اساسی جهت بررسی نظام های متعدد انتخاباتی استفاده می کنند و قوانین را به نحوی تصویب مینمایند که دموکراسی را تقویه نموده و نهادهای قوی که نمایندگی کرده بتوانند به وجود بیاید، اما در قانون اساسی افغانستان از این فرصت جهت تضعیف احزاب سیاسی و جلوگیری از رشد آن استفاده گردیده است. این مسئله منجر به تاسیس یک پارلمان غیرمتشکل و از لحاظ سیاسی از هم گسیخته گردید.

زمانی که نخستین شورای ملی به کار آغاز کرد، هم احزاب سیاسی و هم نهادهای جامعه مدنی قویا خواستار اصلاح سیستم رای واحد غیر قابل انتقال، قبل از برگزاری دومین انتخابات پارلمانی گردیدند. این درحالی است که حکومت مخالف وارد آمدن اصلاحات در این سیستم بود و درخواست مکرر احزاب سیاسی را نادیده گرفت. در نتیجه سیستم رای واحد غیر قابل انتقال بار دیگر در انتخابات پارلمانی مورد استفاده قرار گرفت و احتمالاً این سیستم در سومین دور انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۱۵ میلادی نیز به کار گرفته خواهد شد.

سیستم چند حزبی که به مثابه تهداب دموکراسی عمل می کند، برای وضعیت افغانستان موجه است. حکومت همواره استدلال میکرد که این سیستم برای افغانستان کارآمد نیست و بنا مخالفت خود را با اشاره به دوره های ناگوار عملکرد احزاب سیاسی در تاریخ گذشته افغانستان، ابراز می نمود. این درحالی است که در نهایت در نبود احزاب قوی سیاسی، دموکراسی در افغانستان به شگوفایی نخواهد رسید. به عنوان اصل محوری سیستم یا نهادهای دموکراتیک، احزاب باید در امور داخلی خود دموکرات، تنظیم شده و دارای ایدئولوژی جذاب باشند تا به موفقیت دست یابند.

۳.۲ قوانین انتخاباتی

قوانین انتخاباتی روند تنظیم انتخابات را قانونیت می بخشند. یکی از عوامل کلیدی برای تضمین موفقیت انتخابات، داشتن چهارچوب قوی و قانونی است. چنین چهارچوب به صورت واضح، جامع و با جزئیات مشخص می گردد تا بتواند اعتبار و شفافیت پروسه انتخابات را تضمین کند. این بخش گزارش به صورت اجمالی قوانین انتخاباتی را که انتخابات سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۰ میلادی براساس آن برگزار گردید، مورد مطالعه قرار می دهد.

نهادهای انتقالی تنظیم انتخابات: قانون انتخابات ۲۰۰۴

از نگاه تاریخی، افغانستان تجربه محدود در زمینه انتخابات داشته است. آخرین باری که انتخابات برگزار گردید، چندین دهه قبل از سال ۲۰۰۴ میلادی بود. آن انتخابات با معیار های بین المللی و شناخته شده در خصوص برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه همخوانی نداشت.^{۱۴}

جامعه بین المللی با آنکه مشتاقانه امیدوار فراهم کردن تسهیلات برای یک دموکراسی نماینده در افغانستان بود، اما از چالش های موجود بر سر راه برگزاری انتخابات نیز آگاهی داشت. حکومت انتقالی مطابق تعهداتی که در کنفرانس بُن صورت گرفته بود، خواستار همکاری سازمان ملل متحد (UN) به هدف ایجاد یک نهاد مشترک تنظیم کننده نخستین دور انتخابات در افغانستان گردید.

در سال ۲۰۰۳ میلادی دو فرمان به هدف تاسیس کمیسیون موقت انتخابات افغانستان (IAEC) و دفتر مشترک تنظیم انتخابات (JEMB) صادر گردید.^{۱۵} کمیسیون موقت انتخابات افغانستان وظیفه داشت تا در همه امور مربوط به انتخابات به حکومت مشوره داده و در همکاری با هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) رای دهندگان انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی را ثبت کند.^{۱۶} دفتر مشترک تنظیم انتخابات مسوول نظارت از روند ثبت نام رای دهندگان بود.^{۱۷} فرمان شماره ۱۱۰ در ماه فبروری سال ۲۰۰۴ میلادی که بعداً توسط فرمان شماره ۴۰ تعدیل گردید، به دفتر مشترک تنظیم انتخابات صلاحیت های بیشتری را در زمینه آماده سازی، تنظیم، فراخواندن و نظارت از پروسه انتخابات تفویض کرد.^{۱۸}

در ماه می سال ۲۰۰۴ میلادی رئیس جمهور کززی با استفاده از صلاحیت قانونی خویش مطابق ماده ۱۵۹ قانون اساسی،^{۱۹} به هدف تاسیس کمیسیون مستقل انتخابات و قانونیت بخشیدن به امور انتخاباتی، قانون انتخابات را طی فرمان شماره ۲۸ توشیح و نافذ گرداند.^{۲۰} این قانون تکرار صلاحیت ها و ساختار دفتر مشترک تنظیم انتخابات بود که براساس فرمان شماره ۱۱۰ رویکار آمده بود. دفتر مشترک تنظیم انتخابات ۱۳ عضو داشت که یازده تن آنان دارای حق رای و دو تن آنان فاقد حق رای بودند. رئیس جمهور کززی شش عضو افغان این کمیسیون را تعیین کرد، درحالی که نماینده خاص سازمان ملل متحد برای افغانستان پنج عضو بین المللی یا خارجی را به این کمیسیون گماشت. رئیس

۱۴ ریجنالد اوستین "ظهور یک نهاد تنظیم کننده انتخابات" برای طرح و تنظیم انتخابات: رساله منتشر شده از سوی موسسه IDEA بین المللی، چاپ استهکلم سال ۲۰۰۶. برای مطالعه بیشتر درمورد موازین انتخابات آزاد و عادلانه به "اعلام انتخابات آزاد و عادلانه" (پاریس شورای بین الاپارلمانی سال ۱۹۹۴) مراجعه شود.

۱۵ کمیسیون موقت انتخابات افغانستان، فرمان شماره ۳۹ سال ۲۰۰۳ میلادی (سال ۱۳۸۲ خورشیدی)

۱۶ دفتر مشترک تنظیم انتخابات، ماده اول فرمان شماره ۴۰ سال ۲۰۰۳ میلادی (سال ۱۳۸۲ خورشیدی)

۱۷ عناصر انتخابات در جریان دوره انتقالی، ماده اول فرمان شماره ۱۱۰، سال ۲۰۰۴ میلادی (سال ۱۳۸۲ خورشیدی)

۱۸ کمیسیون مستقل انتخابات، فرمان شماره ۲۱ سال ۲۰۰۵ میلادی (سال ۱۳۸۵ خورشیدی)

۱۹ ماده ۱۵۹ قانون اساسی افغانستان چنین صراحت دارد: "حکومت موقت اسلامی افغانستان در جریان دوره انتقالی وظیفه دارد تا وظایف ذیل را انجام بدهد: (۱) صدور فرمان های تقنینی در رابطه به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شورا های محلی در جریان شش ماه تاسیس کمیسیون مستقل انتخابات

۲۰ قانون انتخابات، فرمان شماره ۲۸ (جریده رسمی شماره ۸۲۹) سال ۲۰۰۴ میلادی (سال ۱۳۸۴ خورشیدی)

افغان دارالانشای انتخابات و مشاور انتخاباتی هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان کسانی بودند که حق رای نداشتند.^{۲۱} در سال ۲۰۰۵ براساس فرمان شماره ۲۱ ریاست جمهوری، هفت عضو کمیسیون مستقل انتخابات جایگزین کمیسیون موقت انتخابات گردید.^{۲۲}

قانون انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی حقوق مساوی رای دهندگان را تضمین کرده و به همه اتباع واجد شرایط فرصت داد تا آرای شان را در یک رای دهی آزاد، سری، عمومی و مستقیم بکار ببرند. با توجه به تاریخ ناخوشایند احزاب سیاسی در افغانستان، این قانون نیز طوری طرح نشده بود تا منجر به رشد احزاب قوی سیاسی گردد. به طور مشخص این قانون سیستم رای واحد غیر قابل انتقال را در هر دو انتخابات پارلمانی و در سطح شورا های ولایتی به اجرا گذاشت. ولی همچنان احزاب سیاسی را تشویق مینمود تا کاندیدان خود را برای به دست آوردن الی صد درصد کرسی های تعیین شده در هر ولایت معرفی نمایند.^{۲۳} در حقیقت با کاندیدان احزاب نیز مانند کاندیداهای مستقل رفتار صورت گرفت. این مسئله قابل پیش بینی بود که این سیستم افغانستان را به سوی کثرت کاندیداهای مستقل و با سهم اندکی از احزاب در انتخابات، سوق می دهد.^{۲۴}

برای رسیدگی به منازعات انتخاباتی، قانون انتخابات که در سال ۲۰۰۴ میلادی تصویب شد صلاحیت را در اختیار کمیسیون مستقل انتخابات قرار داد. اما این قانون در برگیرنده رهنمودهای محدودی در خصوص صلاحیت و طرز العمل های کاری کمیسیون مستقل انتخابات بود. این قانون به کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت داده بود تا در منازعات برخاسته از ثبت نام، رای دهی، کاندیدها، اوراق رای، شمارش، و صدور حکم در مورد آرا، تحقیق نماید. کمیسیون مستقل انتخابات می توانست کاندیداهای را که معیارهای لازم را نداشتند، حذف کند. شهروندان کشور نیز می توانستند از کاندیدها به کمیسیون مستقل انتخابات شکایت کنند.^{۲۵}

قانون انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی تخطی های انتخاباتی را به طور مشخص شمرده و به کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت داد تا در مورد شکایات تحقیق و قضاوت نماید. شکایات موجود در مراکز رای دهی و شمارش، در همان مراکز حل شده می توانست و این امکان نیز وجود داشت که جهت رسیدگی استینافی، شکایات به دفتر ولایتی کمیسیون و دفتر مرکزی خود کمیسیون شکایات محول گردد. تصامیم اتخاذ شده به وسیله کمیسیون مستقل انتخابات نهایی و تحمیلی بود.^{۲۶} در صورتی که کاندیدها و یا احزاب سیاسی تخطی های انتخاباتی را مرتکب یا سازمان دهی میکردند، کمیسیون مستقل انتخابات می توانست تعزیراتی را بالای آنان وضع کند. در صورتی که کمیسیون مستقل انتخابات تخطی های جنایی از قانون انتخابات را تشخیص می داد، می توانست مرتکبین آن را به ارگانها مجری قانون معرفی نماید.

مواد قانون در برگیرنده همه موارد لازم نبود تا بتواند به جنجال ها یا منازعات پایان بدهد. اما در سال ۲۰۰۴ میلادی دفتر مشترک تنظیم انتخابات دو مقرر را به هدف قضاوت روی شکایات، تقلب ها و تخطی ها صادر کرد و همچنان طرز العمل هایی را به هدف تحقیق شکایات، روی کار آورد، اما زمان برای اجرای آن بسیار ناوقت بود.^{۲۷} در نتیجه کارمندان انتخاباتی، کاندیدها و نمایندگان شان آگاهی اندکی از این مقرر ها داشتند.

در پایان انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی، عدم پاسخ دهی کافی به ادعاهای مطرح شده در خصوص جعل و تقلب ها، منجر به ایجاد یک هیئت منصفه گردید تا شکایاتی را که از سوی کاندیدها مطرح شده بود تحقیق کرده و به دفتر مشترک تنظیم انتخابات گزارش بدهد.^{۲۸} این هیئت اصلاحاتی را پیشنهاد کرد تا شیوه رسیدگی به شکایات بهبود یابد.^{۲۹}

آغاز کار کمیسیون شکایات انتخاباتی: قانون انتخابات سال ۲۰۰۵

با توجه به چالش های موجود در زمینه قضاوت و رسیدگی به شکایات انتخاباتی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ میلادی به میان آمد، شماری از نهادهای ذیدخل در روند انتخابات از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC) بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (FEFA) و هیئت نظارت اتحادیه اروپا، ایجاد نهاد مستقل بررسی مشاجرات انتخاباتی را سفارش کردند. بنا کمیسیون شکایات انتخاباتی در نتیجه تعدیلات وارده ۲۰۰۵ در قانون انتخابات، تاسیس گردید.^{۳۰} قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی بسیاری از ماده های قانون قبلی را در زمینه تنظیم انتخابات به همراه داشت و به نقش دفتر مشترک تنظیم انتخابات جهت راه اندازی انتخابات و نظارت از آن تاکید می کرد.^{۳۱}

۲۱ عناصر تدویر انتخابات در دوره انتقالی، فرمان شماره ۱۱۰، ۲۰۰۴ (سال ۱۳۸۲ خورشیدی)

۲۲ کمیسیون مستقل انتخابات، فرمان شماره ۲۱، ۲۰۰۵ (سال ۱۳۸۵ خورشیدی)

۲۳ قانون انتخابات (جریده رسمی شماره ۸۲۹) ماده ۲۰، فقره ۴، ماده های ۲۲ و ۲۴ سال ۲۰۰۴ میلادی (سال ۱۳۸۴ خورشیدی).

۲۴ اندریو رینولد و اندریو ویلدر "آزاد و منصفانه، یا ناقص: چالش ها در برابر انتخابات مشروع در افغانستان. (واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان- کابل) ۱۴.

۲۵ قانون انتخابات ماده ۱۲ فقره های ۱، ۴۵، ۴۶، و فقره ۲ ماده ۴۷.

۲۶ قانون انتخابات ماده های ۵۷ و ۵۸

۲۷ دو مقرر عبارت بودند از مقرر شکایات و تقلب ها و شمارش در جریان انتخابات و مقرر تخطی ها در جریان انتخابات. این دو مقرر به تاریخ های ۲۵ سپتامبر و دوم اکتوبر سال ۲۰۰۴ تصویب گردید.

۲۸ دفتر مشترک تنظیم انتخابات از سازمان ملل متحد درخواست کرد تا کارشناسان انتخاباتی را منحیث هیئت منصفه موظف بسازد تا در مورد شکایاتی که از سوی کاندیدها های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ میلادی مطرح گردیده است، تحقیق کنند.

۲۹ گزارش نهایی هیئت بیطرف کارشناسان انتخاباتی در مورد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ افغانستان" (کابل: هیئت بیطرف کارشناسان انتخاباتی در مورد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ افغانستان)

۳۰ گزارش نهایی در مورد انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ (کابل، کمیسیون شکایات انتخاباتی، ۲۰۰۶)

۳۱ قانون انتخابات (شماره ۸۵۰، جریده رسمی) ماده ۵۷، ۲۰۰۵ (سال ۱۳۸۵ خورشیدی)

کمیسیون شکایات انتخاباتی مسوول رسیدگی به شکایات و تخطی های انتخاباتی بود. این کمیسیون دارای دو عضو افغان بود که به ترتیب از سوی ستره محکمه و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان توظیف شده و همچنان سه عضو خارجی که از سوی نماینده ویژه سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان تعیین گردیده بودند. این اعضا یک تن را به عنوان رئیس کمیسیون شکایات انتخاباتی برگزیدند. قانون به کمیسیون شکایات انتخاباتی صلاحیت داد تا موارد وابسته به نقض قانون انتخابات و اعتراضات در خصوص واجد شرایط بودن کسانی را که خود را کاندید کرده بودند، مورد بررسی و قضاوت قرار بدهد. کمیسیون شکایات انتخاباتی همچنان وظیفه داشت تا شیوه های رسیدگی به شکایات را بهبود بخشد.^{۳۲}

قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی به عنوان نقطه عطف، در بسیاری از موارد نسبت به قانون قبلی برانزندی داشت. در این قانون ۱۹ مورد تخطی انتخاباتی مشخص گردیده بود. تخطی های جدید انتخاباتی عبارت بودند از: تقلب در رای و شمارش آراء، پیشکش و یا هم دریافت امتیاز جهت نفوذ در روند، تغییر دادن، تغییر مکان دادن بدون داشتن صلاحیت قانونی، سرقت و یا هم از بین بردن اسناد انتخاباتی، مداخله در کار مسوولین انتخاباتی، تشویق یا ترغیب افراد برای انجام تخطی های انتخاباتی و تخطی از شروط قانونی و یا سایر اسباب قانونی که پروسه انتخابات را رهبری میکنند.^{۳۳} ضمناً این قانون به کمیسیون صلاحیت داده بود تا در صورت لزوم هر موضوعی را که خود تخطی می پنداشت، بدون نیاز به درج رسمی شکایت، آن را بررسی و داوری نماید. این موارد به کمیسیون صلاحیت داد تا مسایل را با استفاده از ابتکار خود تحقیق نموده و از جریان عملی شدن قانون انتخابات به صورت کامل، نظارت به عمل بیاورد.

برخی از تعزیرات و مجازات برای تخطی کنندگان قوانین، قرار ذیل بود: صدور اخطار، تحمیل کردن جریمه های نقدی، شمارش مجدد آراء، دستور برگزاری انتخابات مجدد، حذف کاندید از فهرست، بی اعتبار خواندن اوراق رای و محروم ساختن تخطی کننده ها از کار در کمیسیون و دارالانشای کمیسیون ها برای بیشتر از ده سال. تصامیم کمیسیون شکایات انتخاباتی نهایی بود. در صورت ارتکاب جرم، کمیسیون میتواند تخطی کننده را به هدف پیگیری و تحقیقات بیشتر به لوی سارنوالی معرفی کند.^{۳۴}

کمیسیون شکایات انتخاباتی ۱۱۰۰ شکایت را که واجد شرایط بودن ۵۵۷ تن از کاندیداها را تحت پرسش قرار می داد، قبل از برگزاری انتخابات سال ۲۰۰۵ دریافت کرد. این کمیسیون پس از انتخابات نیز ۵۴۰۰ شکایت دیگر را دریافت کرده بود. عمده ترین چالش در برابر کمیسیون شکایات انتخاباتی، داوری یا رسیدگی به شکایاتی بود که در آن در مورد واجد شرایط بودن کاندیداها و همچنان به ارتباط متهم بودن شان به جرایم جنگی، نقض حقوق بشر و یا هم ارتباط برخی ها با گروه های مسلح غیر قانونی، شکایت شده بود. اما پروسه رسیدگی به شکایات و حذف اسمای کسانی که علیه آنها شکایت شده بود از فهرست کاندیداها به سه دلیل ناموفق خوانده شد. «اول: چهارچوب قانونی برای رد صلاحیت کاندیداها که با گروه های مسلح ارتباط داشتند، ناتکمیل بود و تعریف ضعیفی داشت. دوم، نهادهای که مسوول اجرای پروسه بودند، منابع و ظرفیت نداشتند و سوم، حکومت افغانستان و جامعه بین المللی فاقد اراده سیاسی بودند که این افراد مورد شکایت به اساس قضاوت عادلانه از لس ت کاندیداها حذف میگردند.»^{۳۵} در نهایت تعداد زیادی از کاندیداها که متهم به داشتن ارتباط با گروه های مسلح غیر قانونی بودند، به فهرست نهایی کاندیداها راه یافتند.

با وجود این که کمیسیون شکایات انتخاباتی علاقمند پروسه تحقیق منصفانه به شکایات بود، اما باید عمدتاً به معلوماتی که از سوی ستره محکمه، لوی سارنوالی و وزارت داخله فراهم می شد، اتکا می کرد. شماری از قضیه ها که توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی بررسی شده بود نیز به هدف انجام تحقیقات بیشتر و اقدامات مقتضی، به نهادهای ملی فرستاده شده بود.^{۳۶} تجربه های نخستین کمیسیون شکایات انتخاباتی نشان می دهد که ارتباط کاری میان کمیسیون شکایات انتخاباتی و سایر نهادهای مرتبط مانند ستره محکمه و لوی سارنوالی بسیار نزدیک و همکارانه بوده است.^{۳۷}

در مجموع کمیسیون شکایات انتخاباتی به خاطر اجرای کارهایش، مورد ستایش قرار گرفته بود. این در حالی است که برای نخستین بار در تاریخ افغانستان یک نهاد رسیدگی به جنجال های انتخاباتی با داشتن یک صلاحیت خاص برای حل شکایات وابسته به انتخابات تاسیس گردیده بود. انتظارات از کمیسیون شکایات انتخاباتی زیاد بود و قانون بسیاری از مسوولیت های آن را تسجیل نموده بود. در حالی که قانون انتخابات صرف برای کمیسیون صلاحیت داده بود اما طرح مشخصی را در خصوص رسیدگی به شکایات، ارائه نکرده بود. کمیسیون شکایات انتخاباتی به سرعت اصول رفتار برای اعضا و کارمندان کمیسیون و یک طرز العمل را ترتیب کرد، اما کمیسیون برای آموزش کارمندان خود به وقت بیشتر نیاز داشت.^{۳۸}

۳۲ قانون انتخابات، ماده ۵۲، فقره ۳ و ۴، ۲۰۰۵

۳۳ قانون انتخابات، ماده ۵۳، ۲۰۰۵

۳۴ قانون انتخابات، ماده ۵۴، ۲۰۰۵

۳۵ فاطمه ایوب، اتونیل دلیدا و پاتریشیا "درس های تحقیق انتخابات سال های ۲۰۰۹-۱۰" (نیویارک: مرکز بین المللی برای عدالت، ۲۰۰۹)

۳۶ "گزارش نهایی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵"

۳۷ همکاری در گزارش نهایی کمیسیون شکایات انتخاباتی در مورد انتخابات سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹، مشهود است"

۳۸ محمد فرید حمیدی، ابراز نظر شخصی

کمیسیون شکایات انتخاباتی در عین حال تحت فشارهای قابل ملاحظه فعالیت می کرد. این نهاد منحصی یک نهاد غیردایمی، اندکی قبل از برگزاری انتخابات تاسیس گردید. بنا عملکرد این کمیسیون به علت نبود دفاتر ولایتی، محدود بودن منابع، و انکاء آن بالای کمیسیون های ولایتی انتخابات، تحت تاثیر قرار گرفته بود.^{۳۹} براساس قانون، کمیسیون شکایات انتخاباتی ۳۰ روز بعد از اعلان نتایج نهایی انتخابات، ملغی گردید.

قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی صراحت داشت که دفتر مشترک تنظیم انتخابات در ختم دوره انتقالی ملغی گردد و صلاحیت های آن براساس قانون به کمیسیون مستقل انتخابات سپرده می شود.^{۴۰} بعدا براساس یک فرمان ریاست جمهوری قانون انتخابات تبدیل گردید و به دفتر مشترک تنظیم انتخابات اجازه داده شد الی افتتاح پارلمان به کار خود ادامه بدهد.^{۴۱} کار دفتر مشترک تنظیم انتخابات یکجا با ختم دوره انتقالی به پایان رسید و این رویداد منجر به تاسیس کمیسیون مستقل انتخابات گردید. این کمیسیون که اعضای آن همه افغان بودند و هیچ عضو خارجی نداشت وظیفه داشت تا دومین انتخابات ریاست جمهوری را در سال ۲۰۰۹ میلادی در افغانستان برگزار کند.

چالش رای واحد غیر قابل انتقال: تلاش ها برای اصلاح

به دنبال پایان یافتن انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی، طوری که پیش بینی می شد، رای واحد غیر قابل انتقال باعث ایجاد پارلمان نامتجانس و از لحاظ سیاسی از هم گسیخته گردید. احزاب سیاسی نتوانستند کرسی های زیادی را به دست بیاورند، اما رهبران برخی از احزاب رای زیادی را به دست آورده بودند و در صورتی که قانون سیستم مبتنی بر نقش احزاب را معرفی میکرد، آنان می توانستند تعداد زیادی از اعضای حزب شان را وارد پارلمان سازند. این پارلمان با استفاده از ۳۲ درصد آراء ایجاد گردیده بود. هرچند ۶۸ درصد آرای دیگر به نفع کاندیداهای ناموفق شمارش گردیده بود.^{۴۲} در نتیجه بسیاری نظر داشتند که پارلمان نمایندگی از آرای مردم را کرده نمی تواند.^{۴۳} در حالیکه در این جریان بعضی از احزاب بزرگتر نتوانستند آرای حزب شان را به شیوه مناسب تر، در حوزه های جغرافیایی تقسیم و تنظیم نمایند، تا به این ترتیب تعداد بیشتر اعضای حزب به کرسی ها دست بیابند. اما در عین حال بسیاری از احزاب کوچک نتوانستند حتی یک کرسی را در پارلمان به دست بیاورند.

در سال های بعد از انتخابات، شماری از اعضای پارلمان که عمدتا وابسته به احزاب سیاسی بودند، تصمیم گرفتند تا این سیستم را تغییر بدهند. کمیسیون مستقل انتخابات نیز طرفدار جستجوی گزینه های متعدد بود، هرچند اگرچه سیستم کامل نمایندگی تناسبی را هم نتواند به میان بیاورد، اما برای ایجاد سیستم مختلط رای واحد غیر قابل انتقال و نمایندگی تناسبی تلاش کرد.

کمیسیون امور تقنین پارلمان کمیته یی فرعی را در سال ۲۰۰۷ در مورد قانون انتخابات توظیف کرد. با توجه به نارضایتی از ضایع شدن آراء، به این کمیته وظیفه سپرده شد تا انتخابات گذشته را مرور کرده، سایر سیستم ها را مورد مطالعه قرار بدهد و سیستمی را پیشنهاد کند تا اشتراک احزاب سیاسی در انتخابات را تضمین کند. این کمیته سیستم های متعدد انتخاباتی را مرور کرد، استفاده از هر سیستمی یا شیوه را در وضعیت های مختلف مورد مطالعه قرار داد، در همکاری با کارشناسان ملی و بین المللی کار نمود و مشوره های را با طرف های متعدد ذیدخل به شمول اعضای پارلمان، احزاب سیاسی، کارشناسان حقوقی و نهادهای ملی و بین المللی که در انتخابات کار کرده بودند، انجام داد. این کمیته سیستم مختلط را که در آن یک صد کرسی برای احزاب سیاسی اختصاص خواهد یافت، پیشنهاد کرد.

زمانی که این کمیته فرعی خواستار کسب نظر مجلس در مورد گزینه های سیستم رای واحد غیر قابل انتقال و نمایندگی تناسبی برای قانون بعدی انتخابات گردید،^{۴۴} به طور غیر منتظره، اکثریت نمایندگان احزاب سیاسی در پارلمان به شمول حزب وحدت مردم، معاذ ملی، حزب اسلامی، تنظیم دعوت اسلامی، افغان ملت و حزب اقتدار ملی، با گزینه سیستم مختلط مخالفت کردند.^{۴۵} اعضای مستقل پارلمان و اعضای احزاب کوچک نیز این پیشنهاد را رد کرده و ادعا نمودند که چنین سیستمی صرف به تقویت آن احزاب سیاسی خواهد انجامید که بخشی از روند جهاد و مسوول جنگ های داخلی بوده اند و بر پارلمان مسلط خواهند گردید.

مخالفت با سیستم نمایندگی تناسبی در پارلمان، صرف به خاطر ضعف اعتبار احزاب سیاسی در گذشته افغانستان نبود. در صورتی که قانون تصویب می شد، نمایندگی تناسبی براساس مرزبندی های جغرافیایی تحت تاثیر قرار میگرفت و بسیاری ها به این می اندیشیدند که ولایات شان کرسی ها را از دست میدهد. اختصاص یافتن ۱۰۰ کرسی به احزاب سیاسی به معنی آن هم بود که حداقل ۱۰۰ تن از اعضای پارلمان برای برکناری شان از پارلمان به نفع احزاب سیاسی در انتخابات آینده رای می دادند. در عین حال اعضای طرفدار حکومت در پارلمان، موقف حکومت را دنبال می کردند و در مخالفت با این مسوده بودند و به این ترتیب جلو ایجاد احزاب قوی سیاسی و ظهور پارلمان قوی را در

۳۹ دیوید اینیس "تحلیل چهارچوب قانونی انتخاباتی در افغانستان" بنیاد بین المللی برای سیستم های انتخاباتی ([http://www.ifes.org/Content/Publications/White-\(Analysis-of-the-Legal-Electoral-Framework-of-Afghanistan.aspx/۲۰۰۶/Papers](http://www.ifes.org/Content/Publications/White-(Analysis-of-the-Legal-Electoral-Framework-of-Afghanistan.aspx/۲۰۰۶/Papers))، ۲۰۰۶ (به تاریخ ۷ فبروری سال ۲۰۱۴ به ان رجوع شده است) همچنان به رساله گرت کین زیر عنوان "انتخابات سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰: چالش های فنی و وضعیت ایجاد دموکراسی در افغانستان، مراجعه شود (کابل - افغانستان واحد تحقیق و ارزیابی، ۲۰۰۸)

۴۰ قانون انتخابات، ماده ۵۷، ۲۰۰۵

۴۱ لغو صلاحیت های دفتر مشترک تنظیم انتخابات، فرمان شماره ۱۱۰، ماده ۱. (جریده رسمی، شماره ۸۷۴) سال ۲۰۰۶ میلادی (سال ۱۳۸۴ خورشیدی).

۴۲ رینالد و کیری، "اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان"

۴۳ صالح محمد ریگستانی (عضو سابق پارلمان) ابراز نظر شخصی، فبروری سال ۲۰۱۴

۴۴ این قانون یک مسوده بود که به ابتکار مجلس تهیه گردیده و مطابق به پروسیجرهای اجرائی، باید در خلال ۳۰ روز در مجلس عمومی مورد بحث قرار می گرفت. برای اینکه یقینی گردد که بخش های از این قانون در مدت تعیین شده حداقل یک بار مورد بحث قرار گرفته است، این قانون به هدف نظر خواهی به مجلس عمومی ارائه گردید. در نزد مجلس این موضوع روشن بود که این قانون هنوز هم به کار بیشتر نیاز دارد و به همین لحاظ این سیستم رای رسمی دریافت نکرد.

۴۵ بر اساس اظهارات ریگستانی، بسیاری از این رهبران پیشنهاد را رد کردند، زیرا آنان در مورد پروسه آگاهی نداشتند. مشوره های در بین احزاب صورت گرفته بود، اما نه به صورت مستقیم میان رهبران احزاب. با انکه آنان این مفکوره را رد کردند، اما بعدا به اتفاق آرا از سیستم مختلط پشتیبانی نمودند.

انتخابات بعدی، می‌گرفتند.^{۴۶} زمانی که مسوده تکمیل و جهت اخذ رای به مجلس عمومی ولسی جرگه ارائه گردید، این کمیته روی موضوع تعداد کرسی های اختصاصی به کوچی ها و حوزه های انتخاباتی شان، در روبرویی با نمایندگان کوچی قرار گرفت.^{۴۷} این موضوع زیاد جنجال بر انگیز شد و باعث شد تا این مباحثات کنار گذاشته شود.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹، کمیسیون شکایات انتخاباتی و چالش های تقلب

انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ میلادی با استفاده از قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ که صرف در موارد اندکی تعدیل شده و وضعیتی را که یک کاندید و یا هم عضو پارلمان وفات شود، تشریح می کرد، برگزار گردید.^{۴۸} صلاحیت ها و ساختار هر دو کمیسیون در انتخابات سال ۲۰۰۹ میلادی دست ناخورده باقی ماند.

اگرچه کمیسیون شکایات انتخاباتی در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۲۰۰۵ میلادی، با چالش های جدی تری رو به رو گردید. کمیسیون شکایات انتخاباتی به خاطر بیطرفی و تعهدش در خصوص رسیدگی به هزاران مورد شکایت و ادعای تقلب که در جریان انتخابات سال ۲۰۰۹ میلادی دریافت کرده بود، مورد ستایش قرار گرفته بود. در جریان بررسی شکایات، کمیسیون شکایات انتخاباتی ضرورت تفتیش و بازشماری آرا در بسیاری از مراکز رای را درک کرده بود. کمیسیون شکایات انتخاباتی در همکاری با کمیسیون مستقل انتخابات روند تفتیش را آغاز کرد که در نتیجه تعداد زیادی از آراء، که بیشتر آن به نفع رئیس جمهور کززی داده شده بود، باطل ساخته شد. بررسی نشان داد که هیچ از کاندیداها نتوانسته اند بیشتر از ۵۰ درصد آرا را به دست بیاورند و این مسئله منجر به برگزاری دور دوم انتخابات گردید. در جریان این پروسه کمیسیون شکایات انتخاباتی از سوی حکومت تحت فشار شدیدی قرار گرفت. به طور خاص این کمیسیون متهم گردید که تحت نفوذ خارجی ها قرار دارد. حکومت یکی از اعضای کمیسیون شکایات انتخاباتی^{۴۹} را تحریک کرد تا در چنین وضعیتی از وظیفه اش استعفا بدهد، اما وی بعدا پس از گذشت چند روزی دوباره به کمیسیون برگشت.^{۵۰}

ساختار مجدد کمیسیون شکایات انتخاباتی: قانون انتخابات سال ۲۰۱۰

قانون انتخابات سال ۲۰۱۰ میلادی که براساس آن انتخابات پارلمانی برگزار میگردید، توسط پارلمان تصویب شده نمی توانست، زیرا رئیس جمهور کززی ادعا داشت که پارلمان نمی تواند در آخرین سال کاری خود، قانون را تصویب نماید.^{۵۱} رئیس جمهور روی ماده ۱۰۹ قانون اساسی اتکا داشت که در آن چنین آمده است: «پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه، در آجندای کار شورای ملی داخل شده نمی تواند.»^{۵۲} ادعای رئیس جمهور از نگاه قانون اساسی موجه بود. هرچند از نگاه سیاسی رئیس جمهور قدرت یافت تا پارلمان را نادیده گرفته و قانون جدیدی را با صدور فرمان برای ساختار مجدد کمیسیون شکایات انتخاباتی، توشیح نماید.

این قانون عدم رضایت رئیس جمهور را از جریان کار کمیسیون شکایات انتخاباتی در انتخابات سال ۲۰۰۹ میلادی منعکس میساخت. به این ترتیب، فرمان رئیس جمهور، یک ماده کلی و مبهم را در رابطه با تاسیس کمیسیون شکایات انتخاباتی معرفی کرد و صلاحیت تعیین اعضای کمیسیون را در اختیار رئیس جمهور قرار داد.^{۵۳} از ابتدا تصمیم گرفته شده بود تا هر پنج عضو این کمیسیون افغان باشند. اما شرط معرفی یک عضو از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر و ستره محکمه به این کمیسیون، حذف گردیده بود. براساس شیوه جدید، رئیس جمهور پنج عضو کمیسیون را در مشوره با روسای هر دو مجلس شورای ملی و قاضی القضاات یا رئیس ستره محکمه تعیین مینمود. تعیین اعضای ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی نیز به تایید وی صورت می گرفت. زمانی که این فرمان صادر گردید، رئیس جمهور برای وارد آوردن تعدیلات بیشتر در شیوه تعیین افراد، تحت فشار قرار گرفت. او با پیشنهاد هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (UNAMA) مبنی بر تعیین دو عضو خارجی و سه افغان به این کمیسیون موافقت کرد. زمانی که مقرری ها صورت گرفت، اعضای افغان کمیسیون، شامل یک تن از ستره محکمه میگردید، اما هیچ عضوی از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در آن نمایندگی نمی کرد. متأسفانه هیچ یک از اعضای تعیین شده در کمیسیون شکایات انتخاباتی، تجربه قبلی در خصوص نظارت از انتخابات و رسیدگی به شکایات انتخاباتی را نداشتند.

۴۶ ریگستانی، ابراز نظر شخصی، سال ۲۰۱۴

۴۷ کوچی ها جمعیت غیر ساکن در افغانستان هستند. بر اساس ماده ۸۴ قانون اساسی افغانستان که در سال ۲۰۰۴ تصویب شد، می بایست که رئیس جمهور به علاوه معرفی ۳۴ نماینده به مشرانو جرگه (مجلس سنا)، دو کرسی را به کوچی ها نیز اختصاص بدهد. این درحالی است که قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی ده کرسی ولسی جرگه (مجلس نماینده گان) را به کوچی ها اختصاص داد و حوزه انتخاباتی را در سطح کشور به آنان ایجاد نمود. این مسئله در قانون انتخابات سال ۲۰۱۰ میلادی نیز جا داده شد. برای معلومات بیشتر درمورد کوچی ها به مقاله فابریزو فوشینی زیر عنوان "سرگردانی اجتماعی کوچی ها، تغییر الگو، درک و سیاستهای یک اجتماع افغانی" مراجعه شود (کابل - افغانستان شبکه تحلیلگران، ۲۰۱۳)

۴۸ تعدیل فقره ۳ و ضمیمه فقره های ۴ و ۵ ماده ۳۷ قانون انتخابات، فرمان شماره ۱۱۹ (جریده رسمی شماره ۸۴۷) ۲۰۰۴ (سال ۱۳۸۳ خورشیدی)

۴۹ عضوی که استعفا داد، مولوی مصطفی بارکزی بود که در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط ستره محکمه (دادگاه عالی) معرفی شده بود.

۵۰ فهیم حکیم (عضو اسبق کمیسیون شکایات انتخاباتی) ابراز نظر شخصی، فبروری ۲۰۱۴

۵۱ گروه بحران بین المللی گزارش داد که ولسی جرگه (مجلس نماینده گان) فرمان را در ابتدا رد کرده بود. اما زمانی که این فرمان به مشرانو جرگه (مجلس سنا) فرستاده شد، جای که کززی تسلط قابل ملاحظه بی بالای آن داشت، سناتور ها به صورت عموم موافق بودند که قانون اساسی پارلمان را در آخرین سال کاری از بحث و یا آوردن تعدیل در قانون انتخابات، منع می سازد. به هر صورت این فرمان به علت عدم اشتراک و کلا، منظور گردید. در این مورد به رساله "بن بست انتخابات افغانستان" مختصری از اسیا شماره ۱۱۷، (کابل/ بروکسل، گروه بحران بین المللی، ۲۰۱۱) رجوع شود.

۵۲ قانون اساسی افغانستان، ماده ۱۰۹، سال ۲۰۰۴

۵۳ در ماده ۶۱ قانون انتخابات سال ۲۰۱۰ افغانستان چنین آمده است: "رئیس جمهور در مشوره با روسای هر دو مجلس شورای ملی و قاضی القضاات یا رئیس ستره محکمه به خاطر رسیده گی به موارد نقض شکایات و اعتراضات که در نتیجه برگزاری انتخابات به وجود می آید و همچنان برای تنظیم کمیسیون های ولایتی شکایات و بررسی تصامیم آن باید دفتر مرکزی و دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی را حداقل ۱۲۰ روز قبل از برگزاری انتخابات تاسیس نماید."

یکی از مشخصات این قانون زمینه سازی برای تاسیس دفاتر ولایتی کمیسیون های شکایات انتخاباتی بود تا پرونده ها را در سطح ولایات مورد رسیدگی قرار بدهند. شکایاتی که در ولایات مورد بررسی قرار می گرفت، برای مرور مجدد به مرکز فرستاده می شد. دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی شکایات را که در وهله نخست مورد رسیدگی قرار میدادند، داوری نهایی آن توسط کمیسیون شکایات انتخاباتی در مرکز صورت میگرفت. هر دو کمیسیون ولایتی و مرکزی شکایات انتخاباتی دو ماه پس از اعلان نتایج انتخابات ملغی گردیده و صلاحیت این کمیسیون ها به کمیسیون مستقل انتخابات انتقال می یافت. موجودیت ابهامات در احکام مربوط به انتقال صلاحیت ها و نبود وضاحت در آن، چالش هایی را در عمل ایجاد کرد. به طور مثال این مسئله منجر به تغییر نتایج شد و تضاد در موضع گیری را در بین کمیسیون مستقل انتخابات به ویژه در حالاتی که باید کمیسیون شکایات انتخاباتی در مورد تخطی های که کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات مرتکب می شدند، تصمیم نهایی را اتخاذ میکرد، به وجود آورد.

در این قانون به اضافه تعداد اندکی از خلاف ورزی ها که شامل احکام و طرز العمل های کمیسیون شکایات انتخاباتی گردید، همان مواردی به عنوان تخطی ذکر گردیده بود که در قانون قبلی درج شده بود. مورد آخری به کمیسیون شکایات انتخاباتی صلاحیت می داد تا اعمال مشخص را به عنوان تخطی شناخته و آن را در طرز العمل های داخلی خود تصویب نماید. وضع تعزیرات و جریمه ها عمدتاً بدون تغییر از قانون قبلی باقی مانده بود. «کمیسیون شکایات انتخاباتی با بررسی ۷۸۶۳ مورد شکایات که در نتیجه رد صلاحیت ۱۲۰ تن از کاندیداها و باطل ساختن ۳۴۴ مراکز رای دهی به اضافه باطل ساختن قسمی و یا کامل آرای مربوط به کاندیداها مشخص، نقش قابل ملاحظه ای را بازی کرد.»^{۵۴} در حالی که طرز العمل ها تا هنوز هم فاقد پاسخ دهی به بسیاری از سوالات در مورد معیارهای باطل ساختن آرا بودند. همچنان به نظر می رسید که همکاری لازم میان هر دو کمیسیون در زمینه ارائه تعریف طرز العمل اجرای احکام وجود نداشت. یک مورد عمده و مجادله برانگیز همانا تعبیرهای متفاوت هر دو کمیسیون در خصوص معیارهای باطل ساختن آرا بود. کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان ادعا داشت که باید صرف آرای تقلبی یک کاندید باطل شود، اما کمیسیون شکایات انتخاباتی خواستار باطل ساختن همه آرا و حذف چنین کاندیدی از فهرست بردگان گردیده بود.

۳.۳ قانونمندی و تفکیک قوا در افغانستان

امروزه تقریباً همه کشورهای دنیا دارای قانون اساسی اند. دموکراسی بر مبنای قانون اساسی، نیازمند حاکمیت قانون و حاکمیت مشروطه است. حاکمیت مشروطه عبارت از قواعدی است که توسط قوانین بنیادی صلاحیت نظام را تعریف نموده و حدود این صلاحیت ها را مشخص میسازد.^{۵۵} اهداف حاکمیت مشروطه باید همواره پشتیبانی از حاکمیت قانون، وضع محدودیت های موثر بر صلاحیت های حکومت و حفاظت از حقوق اساسی، باشد.^{۵۶} از این رو، حاکمیت مشروطه، حاکمیت قانون را بر حاکمیت دلخواه مقامات، ارجحیت می دهد. این روند، ایجاد «دولتی بر مبنای قانون، به جای دولتی بر مبنای خواسته های فردی» را تضمین می کند.^{۵۷} حاکمیت قانون لازم می داند تا «قوانین در دسترس همگان قرار داشته باشد، عام، واضح و ثابت باشند، یک دست و عطف به گذشته نداشته و آینده نگر باشند. این شرایط، زمینه را فراهم می کند تا قوانین موثریت کاری داشته باشند.»^{۵۸}

برای تداوم موثریت حاکمیت مشروطه در افغانستان، بسیار مهم است که تفکیک صلاحیت در اجرای وظایف مشخص شده و نهادهای تفکیک شده بی باشد که آن را عملی نمایند. به عبارت دیگر، قوانین توسط پارلمان تصویب شوند، توسط قوه اجراییه عملی گردند و قوه قضاییه آن را مورد رسیدگی و تفسیر قرار دهد. عملی شدن این روند مستلزم آن است تا هر عمل اجرایی، با کسب صلاحیت از قانون صورت گیرد و به طور موثر نظارت شود. این در حالی است که در موضوع افغانستان همچنانی که در این گزارش توضیح داده شد، صلاحیت های ارکان مختلف دولت به صورت جدی مرز بندی نشده است. کاربرد صلاحیت های فراقانونی، توسط یک رکن دولت، - به طور مشخص قوه اجراییه، - حکومت مبتنی بر قانون را در افغانستان به مخاطره می افکند.

تفکیک امور و استقلالیت ارکان دولت، لازمی است. باید اجازه داده نشود تا از صلاحیت های یک نهاد در امور نهاد دیگری استفاده شود. تفکیک چنین اختیارات باعث می گردد تا سیستم بررسی و نظارت به میان آمده و توازن در بین نهادهای دولتی ایجاد گردد.

چیزی که در انتخابات سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد نشانه های ضعف در شیوه تفکیک قوا در افغانستان بود که چنین روندی قانون گرایی و حاکمیت قانون را در موجودیت حکومت بر مبنای قانون به مخاطره می اندازد. عدم موثریت پارلمان به عنوان نهاد قوی نظارت کننده، اطاعت قوه قضاییه از قوه اجراییه به اضافه صلاحیت های که قانون اساسی به آن داده است، قوه اجراییه را قادر ساخته است تا در بسیاری موارد اقدامات فراتر از قانون را انجام دهد.

تفکیک معنادار یا هدفمند قوا و صلاحیت ها نیازمند عملکرد موثر قوه مقننه است. موجودیت یک پارلمان قوی دارای صلاحیت نظارت، بسیار مهم است. در کل پارلمان افغانستان وظیفه دارد تا بازتاب دهنده خواسته های مردم باشد.^{۵۹} اما این نهاد همواره نظارت قوی بر اعمال رئیس

۵۴ انتخابات ولسی جرگه سال ۲۰۱۰ در افغانستان (کابل: نهاد ملی برای دموکراسی، ۲۰۱۱)

۵۵ دان فیرین باخر، قوانین اساسی و قانون گرایی در برده داری جنوب (آتن، انتشارات دانشگاه جورجیا، ۱۹۸۹)

۵۶ عبدالجلی احمد النعیم، افریقا قانون گرایی و نقش اسلام (فلافلیا، انتشارات دانشگاه پنسلوانیا، ۲۰۰۶)

۵۷ ب. و. نوابیز، قانون گرایی در دولت های نو ظهور، (لندن کمپنی س. هورست ۱۹۷۳)

۵۸ یاسو حبیبی، سیساری پاپنلی، "فصل ۱، قانون های اساسی" رساله حقوق اساسی روتلیج "اید مارک. و. توشنت، توماس فلیپر و چیری سوندرس (۲۰۱۳)

۵۹ قانون اساسی افغانستان، ماده ۸۱، ۲۰۰۴

جمهور نداشته، و نه هم در نظارت و تصامیم خود هدفمند بوده است. درحقیقت رئیس جمهور به دلیل وارد نبودن اکثریت اعضای پارلمان و با استفاده از عدم تجربه و مهارت آنان، به شمول رئیس کنونی ولسی جرگه، تسلط قابل ملاحظه‌ای بر پارلمان داشته است. در حالی که اعضای پارلمان باید تلاش می‌کردند تا وظایف شان را بر اساس قانون انجام می‌دادند. صلاحیت‌های قانون اساسی فعلی، به خصوص در مورد استیضاح رئیس جمهور، منجر گردیده است تا حسابدگی و مسوول بودن رئیس جمهور در برابر پارلمان، محدود باشد. مگر با آن هم، افغانستان در درازمدت به یک پارلمان قوی نیاز دارد تا بتواند نقش جدی را در بررسی و نظارت از صلاحیت‌های قوه اجراییه بازی کند.

از سوی دیگر، استقلالیت قوه قضاییه عنصر کلیدی در یک جامعه دموکراتیک به شمار می‌رود تا حقوق و آزادی‌های اتباع آن حفظ شود. اما در عین حال تهدید بزرگ در برابر استقلالیت قضا همانا عدم احترام به حاکمیت قانون است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و همه منشورهای محاکم بین‌المللی، استقلالیت قوه قضاییه را به رسمیت شناخته‌اند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد اصول اساسی استقلال قضایی را طی قطعنامه‌ای تصویب کرده است.^{۶۰} موافقتنامه‌ی نیز روی اهمیت استقلال قوه قضاییه در افغانستان تاکید کرده است.^{۶۱}

علی‌الرغم این واقعیت که قانون اساسی افغانستان قوه قضاییه را به عنوان یک رکن مستقل شناخته است، اما شرایط اندکی برای تضمین استقلالیت آن وجود دارد. قانون اساسی نه تنها به رئیس جمهور اجازه می‌دهد تا اعضای ستره محکمه را که نیاز به کسب رای پارلمان دارند، تعیین کند، بلکه تصمیم می‌گیرد که کدام یک از این میان، قاضی القضاات باشد. رئیس جمهور تعیین و عزل قضات در سطح محاکم ابتدایی را نیز منظور می‌کند. ستره محکمه بلندترین ارگان قضایی در افغانستان است، اما این ارگان نمی‌تواند رئیس جمهور و یا اعضای کابینه را محاکمه کند. نقش قوه قضاییه در خصوص تفسیر قانون اساسی به چالش کشیده شده است زیرا در آخرین لحظات روند تسوید قانون اساسی، کلمات مبهم به وسیله دفتر رئیس جمهور در آن جا داده شده است.^{۶۲} ستره محکمه صلاحیت بررسی قضایی را داراست، اما می‌تواند برای اعمال آن نداد. بودیجه قوه قضاییه در مشوره با قوه اجراییه تعیین می‌شود، امتیازات در نظر گرفته شده برای قضات کم است و شامل مسکن و امنیت آنان نمی‌شود. رئیس جمهور حکم اعدام را منظور می‌کند و مطابق به قانون می‌تواند جزا را کاهش بدهد و یا فرد مجرم را ببخشد. وی تاکنون در نبود احکام واضح قانون، از این صلاحیت با صدور فرامین استفاده می‌کند.^{۶۳}

در عمل، اقدامات دیگری نیز برداشته شده است تا قوه قضاییه فرمانبردار قوه اجراییه باقی بماند. به طور اخص، زمانی که رئیس جمهور ابتدا اعضای شورای عالی ستره محکمه را نامزد کرسی‌هایشان می‌ساخت، نیاز بود تا زمان کار آنان را در دوره‌های ۴، ۷ و ۱۰ ساله مشخص کند. این در حالی است که وی از روند تعیین دوره‌های کاری منتهی ابزار جهت نفوذ بر قضات استفاده کرد. به طور مثال رئیس جمهور، یکی از اعضای قبلی قابل اعتماد تیم خود را برای دوره چهار ساله، به حیث قاضی القضاات تعیین کرد.^{۶۴} قاضی القضاات پیش‌بینی کرد که با ختم دوره کاری وی، احتمالاً همین حکومت قدرت را در دست خواهد داشت و در یک مقام با اعتبار دیگر دولتی توظیف خواهد شد، بنا به رئیس جمهور وفادار ماند. قابل تعجب هم نبود، زمانی که قاضی القضاات دوره چهار ساله کارش را به پایان رساند، رئیس جمهور با تخطی آشکار از لازمه تعیین شده دوره کار در قانون اساسی، تصمیم گرفت تا وی را به عنوان سرپرست ستره محکمه حفظ کند با آنکه دوره کار وی در ماه جون سال ۲۰۱۰ میلادی^{۶۵} پایان یافته بود. این درحالی است که قاضی القضاات تاکنون نیز که هفت و نیم سال می‌شود به کار خود ادامه می‌دهد - یعنی سه و نیم سال بیشتر از موعده‌ی که قانون اساسی تعیین کرده است.^{۶۶} قابل یاددانی است که کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی نظریه حقوقی را ارائه کرد که نه تنها مسئله غیرقانونی بودن تمدید این دوره را تأیید کرد، بلکه به طور قانونی موقوف «سرپرست» بودن قاضی القضاات و دو تن از اعضا را که دوره‌های کاری شان تکمیل شده بود، تحت پرسش قرار داد.^{۶۷}

بنا در افغانستان به نسبت عیوب ساختاری نهادها و همچنان معضلات سیاسی موجود، قوه قضاییه در برابر نفوذ بی‌مورد قوه اجراییه، فوق‌العاده آسیب پذیر باقی مانده است.

۶۰ درمورد استقلالیت قضایی، مراجعه شود به: "قواعد کلی و اساسی سازمان ملل متحد درمورد استقلالیت قضایی ۱۹۸۵، <http://www.ohchr.org/english/law/indjudiciary.htm> (به تاریخ ۱۲ فیبروری به آن رجوع شده است).

۶۱ برای دریافت جزئیات به رساله رامین مشتاقی زیر عنوان: افغانستان تشکیل محاکم و مطابقت آن با قانون اساسی و قوانین بین‌المللی، چاپ سوم اصلاح شده (کابل: انستیتوت مکس پلنک برای تطبیق قوانین عمومی، ۲۰۰۹)

۶۲ در ماده ۱۲۱ قانون اساسی چنین آمده است: "بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد." همچنان رجوع شود به جان دیمسی و ج. الکساندر "حل بحران روی تفسیر قانون اساسی در افغانستان" (واشنگتن دی سی، ایالات متحده، انستیتوت صلح ۲۰۰۹).

۶۳ رجوع شود به فصل سوم قانون اساسی افغانستان درمورد "رئیس جمهور" و فصل هفتم "قضا"

۶۴ مطابق به آنچه در صفحه انترتی ستره محکمه درمورد زنده گی نامه عبدالسلام عظیمی درج گردیده آمده است که وی قبل از عهده‌ی قاضی القضاات، به حیث مشاور ارشد حقوقی رئیس جمهور و رئیس بورد حقوقی و قضایی برای رئیس جمهور از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ کار کرده است. به این وبسایت رجوع شود <http://supremecourt.gov.af/fa/page/۶۱۶> (که در ماه مارچ سال ۲۰۱۴ به آن رجوع شده است)

۶۵ اصلاح سیستم تخریب شده‌ی قضایی در افغانستان" گزارش شماره ۱۹۵ اسیا (گروه بحران بین‌المللی، ۲۰۱۰)

۶۶ قاضی القضاات دوره کارش را در ماه جون سال ۲۰۰۶ میلادی آغاز کرد و قرار بود که در ماه جون سال ۲۰۱۰ پس از تکمیل دوره چهارساله، شخص دیگری به عوض وی مقرر شود اما رئیس جمهور بدون تصویب پارلمان، با صدور فرمان ریاست جمهوری، دوره کار وی را تمدید کرد.

۶۷ "نظریه‌های حقوقی در مورد پست‌های سرپرستی اعضای ستره محکمه (دادگاه عالی) و تأخیر در تعیین و معرفی وزراء، اعضای ستره محکمه و لوی سارنوالی (دادستانی کل)، سالنامه‌ها ۱۳۹۰ خورشیدی) شماره سوم، (کابل: کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی (ICOIC)، ۲۰۱۱)

۴. انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰

۴.۱ یک سال در بحران: روز شمار وقایع

۲۰۱۰	
۱۸ سپتامبر	انتخابات پارلمانی برگزار شد
۲۳ سپتامبر	نتایج ابتدایی اعلان گردید
۱۰ اکتوبر	فهرست ابتدایی برندگان اعلان شد
۲۴ نوامبر	نتایج نهایی اعلان گردید (به استثنای ولایت غزنی)
۱ دسامبر	نتایج نهایی ولایت غزنی اعلان گردید
۲۶ دسامبر	محکمه اختصاصی انتخابات تاسیس گردید
۲۰۱۱	
۱۹ جنوری	رئیس محکمه اختصاصی انتخابات خواستار یک ماه وقت اضافی برای انجام تحقیقات گردید
۲۰ جنوری	دو صد و سیزده تن از برندگان انتخابات با هم دیدار کرده و تصمیم گرفتند تا بدون افتتاح پارلمان توسط رئیس جمهور، به تاریخ ۲۳ جنوری کرسی های شان را احراز کنند.
۲۶ جنوری	پارلمان توسط رئیس جمهور کرسی افتتاح گردید.
۳۱ جنوری	کمیسیون شکایات انتخاباتی بر اساس قانون، ملغی اعلان شد
۱۹ فبروری	رئیس جمهور کرسی ۳۴ تن را به عنوان سناتور به مشرانو جرگه انتصاب کرد.
۲۲ مارچ	پارلمان خواهان استجواب لوی سارنوال شد و بعدا خواهان استیضاح وی گردید
۲۳ جون	محکمه اختصاصی انتخابات قضاوت نهایی خود را اعلان کرد
۲۶ جون	پارلمان خواستار استجواب قضات ستره محکمه گردید و بعدا خواستار استیضاح آنان شد
۴ اگست	محکمه استیناف تصامیم محکمه اختصاصی انتخابات را مورد تایید قرار داد
۱۰ اگست	محکمه اختصاصی انتخابات ملغی گردید و صلاحیت گرفتن تصمیم نهایی به کمیسیون مستقل انتخابات سپرده شد.
۲۱ اگست	کمیسیون مستقل انتخابات نه چهره جدید را به عنوان برنده اعلان کرد
۳ سپتامبر	نه تن از اعضای جدید پارلمان سوگند وفاداری یاد کردند

۴.۲ بررسی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰

بر اساس فقره های قانون اساسی، انتخابات پارلمانی باید در ماه می سال ۲۰۱۰ برگزار می شد.^{۶۸} اما برگزاری انتخابات تا ماه سپتامبر به تعویق انداخته شد. دلایل عمده این تاخیر نگرانی های امنیتی، کمبود بودجه و مشکلات لوژستیکی ذکر گردید.^{۶۹} در انتخابات پارلمانی ۲۵۰۶ کاندید از ۳۴ ولایت برای دستیابی به ۲۴۹ کرسی ولسی جرگه در پارلمان افغانستان، رقابت کردند.

انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ در کمتر از یک سال از برگزاری انتخابات جنجال برانگیز ریاست جمهوری، در حقیقت نشانه پیشرفت در تاریخ راه اندازی انتخابات در افغانستان بود. با این همه، انتخابات سال ۲۰۱۰ نگرانی ها را در مورد مبرا نبودن پروسه انتخابات از مداخله نهادهای دولتی افزایش داد. چنین مداخلات تهدید های جدی را متوجه آینده دموکراسی در افغانستان-جایی که ثبات سیاسی از قبل در آن شکننده بوده است - می ساخت.

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی در سال ۲۰۰۹ میلادی تاثیر مهم بر وضعیت سیاسی در کشور بجا گذاشت. با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات پارلمانی، مردم به این پروسه با اعتماد اندکی می نگریستند، زیرا انتخابات گذشته با تقلب، مداخله حکومت، فساد، سواستفاده از صلاحیت مقامات و تهدید های فزاینده امنیتی به همراه بود.

با وجود فضای پُر تنش سیاسی، افغانها به مراکز رای دهی رفتند تا اعضای پارلمان جدید را انتخاب کنند. این در حالی است که حضور کمرنگ مردم^{۷۰} در روز انتخابات بازتاب دهنده تهدید های جدی امنیتی و همچنان عدم دلچسپی مردم به پروسه انتخابات بود.

۶۸ قانون اساسی افغانستان، ماده ۸۳، سال ۲۰۰۴

۶۹ مارک ترن " تاخیر برگزاری انتخابات افغانستان " روزنامه گاردین، ۲۴ جنوری ۲۰۱۰.

۷۰ بر اساس آنچه موسسه بین المللی IDEA منتشر کرده است، یک و نیم ملیون رای نسبت به انتخابات سال ۲۰۱۰ در انتخابات سال ۲۰۰۵ استعمال شده بود. " معلومات در مورد اشتراک در انتخابات افغانستان " <http://www.idea.int/vt/countryview.cfm?id=4> (در ماه مارچ سال ۲۰۱۴ به ان رجوع شده است)

۴.۳ تقلب انتخاباتی

قانون انتخابات در ماه فبروری سال ۲۰۱۰ میلادی به تصویب رسید و کمیسیون مستقل انتخابات صرف هفت ماه فرصت داشت تا بر اساس چهارچوب تعیین شده قانونی برای انتخابات آماده‌گی بگیرد. با آنکه مسوولین جدید کمیسیون مستقل انتخابات در تلاشها به هدف شفافیت بخشیدن به انتخابات، مورد ستایش قرار گرفتند، اما دیده میشود که تلاش برای بهبود کار، ابتکار افراد مشخص بوده و ادامه کار دومیار برای اصلاح این نهاد با شک و تردید مواجه بود.^{۷۱} همچنان علی‌الرغم پیشرفت‌های که توسط نهادهای انتخاباتی به شمول کمیسیون مستقل انتخابات صورت گرفته بود، درک مردم از این میکانیزم در گرو عملکرد این نهاد در انتخابات گذشته با توجه به جبهه‌گیری‌ها و بی‌کفایتی آنها بود.

آگاهی مردم در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ بیشتر شده بود و در نتیجه مردم انتظار داشتند که این پروسه‌ها به صورت کامل عملی شود. کمیسیون مستقل انتخابات نیز با انجام برخی اصلاحات در طرزالعمل‌های موجود، به این انتظارات پاسخ داد تا شفافیت پروسه انتخابات بهبود یابد. در حقیقت کمیسیون مستقل انتخابات توضیح داد که یکی از دلایل تأخیر در برگزاری انتخابات، ضرورت بهبود بخشیدن طرزالعمل‌های انتخاباتی بود.^{۷۲} اصلاحاتی که به ابتکار کمیسیون مستقل انتخابات صورت گرفت، در برگزیده‌نشر نتایج انتخابات پارلمانی از طریق انترنت بود تا مردم در زمان تعیین شده به آن دسترسی یابند. کمیسیون مستقل انتخابات کاپی اوراق نتایج مراکز شمارش را در اخیر هر روز شمارش در اختیار نمایندگان کاندیداها و احزاب سیاسی قرار داد.^{۷۳}

علی‌الرغم این اقدامات، نبود امنیت به عنوان نگرانی باقی ماند. در نتیجه کمیسیون مستقل انتخابات در مشوره با نیروهای امنیتی تصمیم گرفت که ۹۳۸ مرکز را (از مجموع ۶۸۳۵ مرکز رای دهی) برای انتخابات باز نخواهد کرد و کمیسیون مستقل انتخابات اوراق رای را به مناطقی که ناامن تشخیص داده شده بودند، ارسال نکرد. دلیل قاطع برای مسدود کردن این مراکز همانا احتمال دستبرد به اوراق رای در مناطق ناامن بود.^{۷۴} هیچ شیوه‌جاگزین ارائه نگردید تا به باشندگان آن مناطق اجازه بدهد که در انتخابات رای بدهند.

انتخابات سال ۲۰۱۰ شاهد خشونت‌های غیرقابل پیشبینی بی‌شمار به شمول برخی از وقایعی بود که در نتیجه باعث کشتار کاندیداها، مسوولین انتخاباتی، کارمندان کمپاین و رای‌دهندگان شد. در روز انتخابات، با وجود اطمینان نیروهای امنیتی، ۱۳۰۰ مرکز دیگر نیز مسدود ماند و ۹۱ مرکز مورد حمله قرار گرفت. در برخی از مراکز دیگر، مردم از بیم مشکلات امنیتی قطعاً به مراکز رای دهی حاضر نشدند. کمیسیون مستقل انتخابات بالای مراکز که مسدود مانده بودند و یا هدف حمله قرار گرفتند، هیچ تسلطی نداشت.^{۷۵} به این ترتیب وضعیت ناهنجار امنیتی فرصت تقلب را مساعد ساخت. با آن هم هئیت‌های ناظر انتخاباتی از عوامل برجسته دیگر که منجر به تقلب و اعمال تقلبی گردید، نیز گزارش دادند.

روز انتخابات شاهد رخداد‌های خشونت‌آمیز، تخطی و تقلب و بی‌نظمی بود که به وسیله ناظرین و رسانه‌ها گزارش داده شد. این تخطی‌ها شامل استفاده از کارت‌های جعلی رای دهی، رای دهی مکرر، تخلیه کردن صندوق‌های رای، رای دهی توسط افراد زیر سن و رای دهی نیابتی بود. گزارشهایی نیز وجود داشت که در برخی از مناطق، انتخابات برگزار نشد، اما نتایج انتخابات به مرکز گزارش داده شده بود. با وجود آنکه طرزالعمل‌های کمیسیون مستقل انتخابات بهبود یافته بود، اما تعدادی از ناظرین و مبصرین انتخابات از کوشش به انجام تقلب در سطوح مختلف گزارش دادند که با انتخابات سال گذشته قابل مقایسه بود. کلمه "فرهنگ تقلب" به کسانی نسبت داده میشود که فکر میکردند فرصت کامیابی ندارند و به این ترتیب فعالیت‌های غیرقانونی خود را توجیه میکردند.

(سازمان همکاری و امنیت اروپا/ اداره نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر)

بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (FEFA) ۷۰۰۰ ناظر را به محلات رای دهی فرستاده بود. این نهاد صدها گزارش از موارد جدی تقلب در روز انتخابات را دریافت کرده بود که گزارشها و شواهد را به کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی تسلیم داد. آنان "به در مجموع اسناد و شواهدی در ارتباط به ۸۹۰ مورد تقلب از ۳۱ ولایت را به هر دو نهاد تسلیم کردند. بسیاری از این پرونده‌ها وابسته به آرای تقلبی و تهدید رای‌دهندگان بود."^{۷۶}

اقدامات کمیسیون مستقل انتخابات برای جلوگیری از تقلب ناکافی بود. حتی مراکز رای که در روز انتخابات باز نشده بودند، تعدادی از صندوق‌های مملو از اوراق رای را به مراکز شمارش فرستادند. در بسیاری از موارد، اوراق به وسیله طرفداران کاندید نشانی و به صندوق‌ها ریخته شده بود. مثال‌های عادی از تقلب شامل قات کردن نادرست اوراق رای، اوراق دارای نشانی مشابه در یک صندوق، و صندوق‌های بود که بیشتر از ۶۰۰ ورق رای در آن وجود داشت، یعنی اضافه‌تر از آنچه که کمیسیون مستقل انتخابات قید کرده بود.

۷۱ "گزارش تیم حمایت از انتخابات" (۷ وارسا، سازمان امنیت و همکاری اروپا، اداره نهاد‌های دموکراتیک و حقوق بشر) (OSCE/ODIHR) سال ۲۰۱۰

۷۲ ترن "تاخیر انتخابات افغانستان"

۷۳ فضل احمد معنوی (رئیس اسبق کمیسیون مستقل انتخابات ۲۰۱۰) ابراز نظر شخصی. فبروری سال ۲۰۱۴.

۷۴ معنوی، ابراز نظر شخصی، فبروری سال ۲۰۱۴

۷۵ نظر شخصی، ۲۰۱۴

۷۶ "ماموریت نظارت از انتخابات پارلمانی افغانستان سال ۲۰۱۰" (کابل: بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان، سال ۲۰۱۱)

۴.۴ پاسخ کمیسیون مستقل انتخابات

کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان با آگاهی یافتن از وقایع روز انتخابات، به عنوان اقدام ابتدایی صندوق های را که در آن آرای تقلبی مشاهده می گردید، براساس معیارهای از قبل تعیین شده، قرنطین کرد. با آن هم کمیسیون می توانست، پس از بررسی صندوق ها در حضور ناظرین، کاندیداها و نمایندگان احزاب سیاسی، صرف تصمیم بگیرد که آیا برگه های رای صندوق های قرنطین شده را شامل روند شمارش آرا بنماید یا نه.^{۷۷}

اما عملی نمودن مواد قانون در رابطه به قرنطین بحث برانگیز و پر جنجال شد. کمیسیون مستقل انتخابات به صورت روشن در رابطه به روش این کار صحبت نکرد و در عین حال طرزالعمل های نظارت، قرنطین و باطل ساختن صندوق های دارای رای مشکوک، برای کاندیداها واضح نبود. کاندیداها و احزاب سیاسی به صورت مشخص در خصوص برخورد کمیسیون مستقل انتخابات با موضوع و این که تصمیم اتخاذ شده به وسیله کمیسیون مستقل انتخابات، نهایی بود و در برابر آن استیناف طلب شده نمی توانستند، بسیار نگران بودند.^{۷۸} در عین حال شروط ذکر شده در قانون انتخابات به کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت می داد تا بدون در نظر داشت نقش کمیسیون شکایات انتخاباتی با صندوق های رای مشکوک برخورد کند.^{۷۹} در نتیجه، به کمیسیون شکایات انتخاباتی صرف فرصت داده شده بود که در مورد صندوق های آرای مشکوک پس از تکمیل شمارش برگه های رای، اقدام مقتضی بعمل آورند. قانون انتخابات در عمل دو نهاد رسیدگی کننده رقیب را در زمینه چگونگی برخورد با صندوق های مشکوک آراء ایجاد کرده بود. که از یک جانب، در مرحله شمارش، کمیسیون مستقل انتخابات می توانست به صورت یکجانبه مشخص بسازد که صندوق های آرای مشکوک شامل ساخته شوند یا خیر. از جانب دیگر، زمانی که شمارش تکمیل می شد، کمیسیون شکایات انتخاباتی با توجه به گذشته، می توانست آرای مشکوک را که توسط کمیسیون مستقل انتخابات شامل ساخته شده بود، باطل بسازد.

با تاسف کمیسیون مستقل انتخابات در غیاب ناظرین و نمایندگان، دست به بررسی صندوق های آرای قرنطین شده زد.^{۸۰} عین برخورد در خصوص صندوق های مشکوک آرا در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ میلادی نیز به طور گسترده مورد سو استفاده قرار گرفته بود. در آن زمان، دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات ابتدا صندوق ها را قرنطین کرده بود تا بعدا در صورت کمبود رای رییس جمهور کرسی از آنچه توسط قانون تعیین شده، آن را شامل پروسه شمارش سازد.^{۸۱} چنین مواد قانون که صلاحیت های دوگانه برای داوری مناقشات انتخاباتی را مهیا کند، پروسه را در برابر دستکاری های حکومت، جدا آسیب پذیر میسازد.

با اینکه تجربه انتخابات گذشته هشدار می بود، توقع میرفت تا چنین مواد قانون انتخابات اصلاح گردد تا از بروز چنین مناقشات در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ جلوگیری می شد. در حقیقت گروه های مدنی مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) و بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (FEFA) که از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ میلادی نظارت کرده و گزارش داده بودند، سفارش های زیادی را نیز ارائه کردند.^{۸۲} در حالی که افغانستان به سوی برگزاری انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ میلادی می رفت، این سفارش ها نادیده گرفته شد و عملی نگردید.^{۸۳}

مشخصا عملی شدن معیار مشخصی که قبلا تصویب گردیده بود می توانست از تقلب در جریان انتخابات سال ۲۰۱۰ جلوگیری نماید. مثلا، به دنبال برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹، عدم پیگرد افراد مشکوک، به ترویج فرهنگ مصئونیت در بین مرتکبین تقلب های انتخاباتی کمک کرد. کمیسیون مستقل انتخابات در اظهاراتی که ثبت گردیده، ادعا کرد که هزاران تن از کارمندان را که تقلب کرده و یا در تقلب همکاری کرده اند، عزل نموده است. اما فهرستی از این کارمندان را منتشر نکرد و میکانیزم تحقیق را نیز واضح نساخت. کمیسیون مستقل انتخابات در عین حال تحقیق در مورد کاندیداها را که ادعا شده بود وابسته به گروه های مسلح غیرقانونی هستند به صورت شفاف انجام نداد. در حقیقت، درحالی که پروسه انتخابات به پیش می رفت، آنها کماکان به عنوان نامزد انتخابات باقی ماندند که این مسئله اعتبار کل پروسه انتخابات و پروسه تحقیق کمیسیون مستقل انتخابات را مورد سوال قرار داد.

حضور رای دهندگان در جریان انتخابات سال ۲۰۱۰ کم رنگ بود، و باطل شدن ۱,۳ میلیون رای، باعث گردید که تعداد آرای معتبر به طور قابل ملاحظه یی کاهش بیابد و در نتیجه شمار زیادی از کاندیداها شامل فهرست برندگان نشوند. کمیسیون مستقل انتخابات کار خود را به پایان رسانده بود و آماده بود تا نتایج ابتدایی برندگان را اعلان کند. قضایا بعدا در حیطه صلاحیت کمیسیون شکایات انتخاباتی باقی ماند که باید به شکایات انتخاباتی رسیدگی می شد، و تصدیق نتایج نهایی انتخابات را ابلاغ میکرد.

۷۷ قانون انتخابات (جریده رسمی، شماره ۱۰۱۲) ماده ۵۷، سال ۲۰۱۰ (سال ۱۳۹۰ خورشیدی)

۷۸ "گزارش تیم حمایتی انتخابات"

۷۹ قانون انتخابات، ماده ۵۷، ۲۰۱۰

۸۰ حکیم، ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴/۱

۸۱ "انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی جمهوری اسلامی افغانستان، گزارش تیم حمایتی انتخابات"

۸۲ وارسا، سازمان امنیت و همکاری اروپا، دفتر نهاد های دموکراتیک و حقوق بشر (OSCE/ODIHR) سال ۲۰۰۹.

۸۳ ماموریت نظارت از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ در افغانستان"

۴.۵ رسیدگی به شکایات انتخاباتی

کمیسیون شکایات انتخاباتی نزدیک به ۶،۰۰۰ شکایت وابسته به مراکز رای و مراکز شمارش آرا را دریافت کرده بود. کمیسیون شکایات انتخاباتی شکایات را قرار ذیل دسته بندی کرده بود: الف) شکایات انتخاباتی که بالای نتایج انتخابات اثر گذار بودند و نیاز بود تا کمیسیون شکایات انتخاباتی در زمینه اقدام فوری نماید. ب) شکایات انتخاباتی که تأثیری بالای نتایج نداشت و می شد دیرتر به آن رسیدگی شود، و ج) شکایاتی که در مطابقت به احکام طرز العمل و معیارهای پذیرفته شده کمیسیون شکایات انتخاباتی نبوده و شکایات غیر مرتبط دانسته میشدند.^{۸۴} اولویت کمیسیون شکایات انتخاباتی رسیدگی به شکایات دسته (الف) بود، که تخمیناً بالغ بر ۲،۵۰۰ شکایت میشد.

با آنکه دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی صلاحیت رسیدگی به تمام شکایات در سطح ولایات را داشتند، اما بسیاری از شکایات، بر علاوه مواردی که برای استیناف خواهی به مرکز راجع شده بودند، به سبب تهدیداتی که متوجه کارمندان دفاتر ولایتی بود به کمیسیون شکایات انتخاباتی در مرکز راجع گردیدند.^{۸۵} بر علاوه، گروه های نظارت کننده گزارش دادند که دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی فاقد موثریت و شفافیت بودند. تصامیمی که به وسیله دفاتر ولایتی کمیسیون شکایات انتخاباتی اتخاذ گردیده بود، غالباً با جناح متضرر، در میان گذاشته نشده بود. حتی گفته شده است که تعدادی از تصامیم، اساس قانونی نداشتند.^{۸۶} کمیسیون شکایات انتخاباتی بیشتر به خاطر نداشتن شفافیت لازم در پروسه رسیدگی به شکایات و ناکامی در آگاهی دادن به مردم از پروسه شکایات انتخاباتی، مورد انتقاد قرار گرفته بود.^{۸۷}

کمیسیون شکایات انتخاباتی در پنج دور مختلف، آرای مربوط به ۳۸۳ مرکز رای دهی را براساس شکایات که منجر به تخطی های جدی انتخاباتی گردید، باطل ساخت. کمیسیون شکایات انتخاباتی به دنبال برگزاری انتخابات، ۴۱۳ تن از کاندیداها و چندین تن از کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات را که در انجام تخطی های انتخاباتی مشکوک به نظر میرسیدند، به هدف پیگرد به لوی سارنوالی معرفی کرد.^{۸۸}

۴.۶ اعلان نتایج ابتدایی و نهایی

یکی از ابتکارات در هر دو کمیسیون در جریان انتخابات سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی استفاده از انترنت بود. هر دو کمیسیون تصمیم گرفته بودند که آنان برای شفافیت بیشتر، نتایج را به شمول نتایج قسمی از طریق صفحات انترنتی خود منتشر می نمایند. کمیسیون مستقل انتخابات در عین حال مشخص ساخته بود که تمامی محلات شمارش آرا باید یک نقل از نتایج روزانه را در اختیار کاندیداها، نمایندگان احزاب سیاسی و ناظرین قرار بدهند. هدف از این ابتکار نشر معلومات در زمان معین و ایجاد شفافیت در پروسه بود. اما شریک ساختن چنین معلومات در مراحل ابتدایی مانند "شمشیر دو دم" عمل کرد. زمانی که نتایج ابتدایی منتشر گردید، بسیاری از کاندیداها متوجه شدند که در نتیجه باطل شدن یک تعداد قابل ملاحظه آرا انتخابات به نفع آنان تمام نشده است. حکومت نیز به خاطر آنکه آرای داده شده به بسیاری از نامزدهای مورد نظرش باطل گردید، نگران بود. در نتیجه، این وضعیت بالای کاندیداها، به شمول آنانی که از جانب حکومت حمایت می شدند تأثیر گذاشت و آنان به صورت فعال تلاش کردند تا پروسه باقیمانده انتخابات را مختل بسازند.^{۸۹}

مداخله حکومت در تمامی این پروسه، ملموس بود. پس از آنکه کمیسیون مستقل انتخابات نتایج ابتدایی را اعلان کرد، لوی سارنوال بیانیه یی را ایراد کرد، و در آن تأکید کرد که شیوه اعلان این نتایج "حجالت آور" است و او نسبت به گزارش دادن در مورد آن، "احساس ناراحتی می کند". کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان اظهارات وی را شدیداً رد کرد و صلاحیت لوی سارنوال در مورد پرداختن به موضوع انتخابات و عمق آگاهی وی در خصوص پروسه های انتخاباتی را زیر سوال برد.^{۹۰} اما لوی سارنوال بعداً یک اتهام نامه را که در آن تعدادی از مسوولین ارشد کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی متهم به انجام فساد و تقلب های انتخاباتی گردیده بودند، به ستره محکمه فرستاد^{۹۱} که در آن این اعمال خیانت تلقی شده و از ستره محکمه، خواستار اشد مجازات - یعنی اعدام - گردیده بود.^{۹۲}

در یک اجلاس در قصر ریاست جمهوری به اشتراک همه طرف های ذیدخل در انتخابات، رئیس جمهور کرسی عدم رضایت خود را از نتایج ابتدایی انتخابات ابراز کرد. رئیس جمهور همچنان گفت که وی انتظار داشت تا نتایج نهایی انتخابات در مشوره با حکومت مشخص شود. کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی در موقف خود در برابر رئیس جمهور قویاً ایستادند و اصرار داشتند که آنان

۸۴ کمیسیون شکایات انتخاباتی دسته بندی ها را قرار ذیل تعریف کرده است: دسته الف) "شکایات دارای ادعا های که اگر ثابت شوند، نتایج مراکز رای را متاثر می سازند... این شکایات به صورت فوری رسیده گی می شود و به عنوان بلند ترین اولویت، منابع تحقیقی برای چنین قضایا در اختیار گذاشته شده است. "دسته ب) شکایاتی که شامل ادعا های وابسته به خشونت و یا تخطی می گردند که در صورت اثبات، تأثیری بالای نتایج یک انتخابات ندارند، زمانی که منابع برای تحقیق روی اولویت های جدی دسته الف) نیاز نباشد، کمیسیون شکایات انتخاباتی درموردان تحقیق می نماید. دسته ج) شکایاتی که به دلایل ذیل نیاز به تحقیق بیشتر ندارند: (۱) این شکایات بیشتر از ۷۲ ساعت پس از ادعای خشونت، تسلیم داده شده اند. (۲) این شکایات تا تکمیل اند و یا شرایط شکایات را طوری که در احکام پروسیجر های کمیسیون مستقل انتخابات ذکر گردیده است، ندارند. (۳) "این گونه شکایات وابسته به ادعای تخطی انتخاباتی نیست" در این مورد به "گزارش نهایی درمورد انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹" رجوع شود. (کابل: کمیسیون شکایات انتخاباتی (ECC) سال ۲۰۱۰) ۳۱.

۸۵ رفعت، ابراز نظر شخصی، ۲۰۰۴

۸۶ "گزارش تیم حمایت از انتخابات"

۸۷ "ماموریت نظارت از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ افغانستان"

۸۸ "ماموریت نظارت: انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ گزارش نهایی" (کابل: دموکراسی انترنشنل (DI۲۰۱۱))

۸۹ معنوی، ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۰ رفعت، ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۱ ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۲ وال استریت ژورنال گزارش داد: "رئیس کمیسیون مستقل انتخابات... دریک کنفرانس خبری در کابل... گفت که وی مکتوب لوی سارنوال را که به ستره محکمه فرستاده بود خوانده است. به گفته وی در این مکتوب کمیشنران به خیانت متهم شده اند و در مکتوب تحمیل حکم اعدام بالای آنان درخواست گردیده است." در این مورد رساله یاروسلای تروفیموف زیر عنوان "از ستره محکمه افغانستان خواسته شده است تا انتخابات را بی اعتبار بسازد." - انفجار اختاری در ولایت قندهار منجر به کشته شدن شش سرباز امریکایی گردید. "روزنامه وال استریت ژورنال ۱۲ دسامبر سال ۲۰۱۰"

مسئولیت های خود را مطابق به قانون انجام داده اند. یکی از اشتراک کننده های حاضر در مجلس حکایت کرد که "رئیس جمهور ناراضی به نظر میرسید و با یک لحن معنی دار به اعضای جلسه گفت که در صورتی که نتایج به خواست ما نباشد، ما آنها [سارنوال ها] را به دنبال شما خواهیم فرستاد."^{۹۳}

رئیس جمهور به دلایل متعددی میخواست آرای باطل شده دوباره شامل آرا ساخته شود. نخست وی در مورد نتایج دریافتی از ولایت غزنی ناخشنود بود، جاییکه هزاره ها به یازده کرسی دست یافتند و هیچ یک از پشتونها نتوانستند برنده شوند. نتایج به دست آمده از ولایت غزنی قویا نشاندهنده آن بوده است که اکثریت پشتونها به دلیل تهدیدهای امنیتی نتوانستند خود را در روز انتخابات به مراکز رای دهی برسانند. همچنان نفوذ و تسلط طالبان بر بسیاری از ساحات این ولایت باعث گردیده بود که مسوولین دولتی به شمول کارمندان انتخاباتی نتوانند کارهای شان را در غزنی انجام بدهند.^{۹۴} لهدا نتایج بدست آمده از غزنی ربط زیادی با شیوه کاری کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی نداشت. با وجود این موارد، رئیس جمهور از کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی میخواست تا شمارش مجدد آرا صورت بگیرد، آرا را میزان نماید و یا هم برای تامین نمایندگی لازم پشتونها در پارلمان، انتخابات تازه را در ولایت غزنی راه اندازی کنند.^{۹۵}

دوم، رئیس جمهور از سوی معامله گران قدرت (و وابستگان شان) که وی را حمایت کرده اما انتخابات را باخته بودند، تحت فشار قرار داشت. به گفته برخی ها، این افراد به شمول برادران و اعضای خانواده رئیس جمهور و همچنان اعضای کابینه و سایر افراد با نفوذ در حکومت بودند. اعتبار دادن به آرای مربوط به آنها نه تنها معامله گران قدرت را قانع می ساخت، بلکه باعث افزایش حلقه حمایت رئیس جمهور در داخل پارلمان می گردید.^{۹۶}

سوم، برخی ها ادعا می کنند که رئیس جمهور در به وجود آمدن یک پارلمان قوی و مستقل، بی میل بود.^{۹۷} یک پارلمان قوی با استفاده از صلاحیت های قانونی خود از عملکرد قوه اجراییه نظارت به عمل می آورد و همچنان جریان بررسی و ایجاد توازن میان نهادهای دولتی را تقویت می نمود.

چهارم، در یک تلاش به هدف فایق آمدن بر نواقص انتخابات گذشته، رئیس جمهور میخواست تا به اثبات برساند که مسوولین برگزار کننده انتخابات ضعیف و بی کفایت بودند. این مسئله در مطابقت با منافع وی نواقصی را که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ وجود داشت^{۹۸} و در آن آرای داده شده به رئیس جمهور براساس تقلب های جدی باطل ساخته شده بود، مشروعیت می بخشید.^{۹۹} بنا در جریان انتخابات پارلمانی، وی میخواست این مسئله را به اثبات برساند که نهادهای انتخاباتی در زمینه رسیدگی به شکایات به صورت کامل ناتوان بوده و در انتخابات گذشته نیز الزامات ناتوان بودند.

بناء برای این که رئیس جمهور نتیجه مطلوب خود را از انتخابات به دست آورده باشد، از لوی سارنوالی و ستره محکمه منحصبت ابزاری برای تحت فشار قرار دادن هر دو کمیسیون استفاده کرد. با وجود این همه کمیسیون شکایات انتخاباتی در برابر تهدیدهای نهادهای دولتی قویا ایستادگی کرد. این کمیسیون نتایج نهایی را تصدیق کرد و کمیسیون مستقل انتخابات نیز نتایج ۳۳ ولایت به شمول حوزه های انتخاباتی کوچی ها را اعلام نمود، اما نتایج ولایت غزنی را اعلان نکرد. نتایج وابسته به ولایت غزنی یک هفته بعد بدون تغییر اعلان گردید. به طور مجموع ۲۴ تن از کاندیداهای برنده، رد صلاحیت شدند.^{۱۰۰}

۹۳ رفعت، نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۴ پامیلا کانستابل، "هزاره ها نفوذ سیاسی را در انتخابات بحث بر انگیز پارلمانی به دست آوردند" واشنگتن پست، بخش خارجی ۲۴ دسامبر ۲۰۱۰.

۹۵ نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۶ نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۷ رفعت، نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۸ رفعت، ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴

۹۹ "گزارش نهایی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹" ۳۸

۱۰۰ "گزارش تیم حمایت از انتخابات"

۵. محکمه اختصاصی انتخابات

اقدامات فراتر از قانون که به وسیله قوه اجراییه پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ صورت گرفت، واضح است. زمانی که نتایج نهایی انتخابات اعلان گردید، حکومت متوجه شد که استفاده از قدرت و همچنان تهدید کارا نبود. بنا دولت راه های دیگری را به هدف رسیدن به نتیجه مطلوب خود از انتخابات برگزید. یکی آن بی اعتبار ساختن نتایج تصدیق شده انتخابات با استفاده از ایجاد یک میکانیزم جدید برای رسیدگی به وضعیت جنجالی انتخابات بود. در وهله نخست چنین استنباط میگردید که میکانیزم تازه می تواند شکل یک محکمه خاص را بیاید. حکومت مطمئن بود که ستره محکمه حداقل تابع این مفکوره خواهد بود. حکومت مشاوره با طرف های متعدد به شمول ستره محکمه را آغاز کرد، تا امکانات تاسیس چنین محکمه یی را ارزیابی کند.

۵.۱ سکوت ستره محکمه در مورد محکمه اختصاصی

پیشینه ای روابط میان کمیسیون شکایات انتخاباتی و ستره محکمه نشان میدهد که ستره محکمه هیچ گاهی در امور کاری کمیسیون شکایات انتخاباتی مداخله نکرده است، بلکه در عوض از کارها و قضاوت این نهاد حمایت کرده است. چندین مثال به صورت واضح بیان کننده رابطه کاری میان این دو نهاد است. به طور مثال «ستره محکمه، لوی سارنوالی و وزارت داخله به درخواست کمیسیون شکایات انتخاباتی در مورد گذشته جرمی افراد معلومات فراهم کرده اند.»^{۱۰۱} دوم این که ستره محکمه افراش را به انتخاب خود مطابق به قانون انتخابات، در دو دور نخست، بحیث اعضا به کمیسیون شکایات انتخاباتی معرفی کرده بود. در سال ۲۰۱۰ زمانی که معرفی کاندید از سوی ستره محکمه در قانون گنجانیده نشده بود و در عوض نقش آن صرف در مشوره دهی به رئیس جمهور و روسای هر دو مجلس شورای ملی محدود بود، ستره محکمه به صورت فعال در این پروسه سهم گرفته بود. ضمناً رئیس جمهور یکی از قضات سابقه دار این نهاد را بحیث عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی معرفی کرد که بعداً به عنوان رئیس کمیسیون انتخاب شد. سوم، در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ میلادی زمانی که کاندیدا های رد صلاحیت شده به ستره محکمه مراجعه کردند، کمیسیون شکایات انتخاباتی صلاحیت قضایی ستره محکمه را در زمینه بررسی قضایا مورد سوال قرار داده بود.^{۱۰۲} این قضیه بعداً با مشوره های غیر رسمی پایان یافت. این مسایل روشن می سازد که ستره محکمه صلاحیت بررسی و قضاوت کمیسیون شکایات انتخاباتی را در مورد رد صلاحیت کاندیدا ها تحت پرسش قرار نداده بود و نه هم خود را به عنوان یگانه مرجع قضایی رسیدگی به منازعات اعلان کرده بود. اما روشن نیست که چرا در قضیه سال ۲۰۱۰ ستره محکمه تصمیم گرفت تا عملکرد کمیسیون شکایات انتخاباتی را غیرقانونی و نامشروع بخواند و در عوض رسیدگی به منازعات انتخاباتی را از صلاحیت محکمه اختصاصی بداند.

عقیده بر آن است که ستره محکمه در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰، در اول با مفکوره ایجاد تاسیس محکمه اختصاصی انتخابات مخالفت کرده بود.^{۱۰۳} زمانی که رئیس جمهور در مورد با ستره محکمه مشوره کرده بود، ستره محکمه در پاسخ اظهار داشته بود که ایجاد چنین محکمه با روحیه قانون سازگار نیست و براساس قانون اساسی نیز توجیه پذیر نخواهد بود. بعداً رئیس جمهور خواستار نظر کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی گردید. کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی افغانستان نیز با توجه به پاسخ ستره محکمه، پاسخ داد که تاسیس محکمه اختصاصی رسیدگی به شکایات انتخاباتی هم غیرقانونی و هم نامشروع خواهد بود. به نظر می رسد که رئیس جمهور بعداً به ستره محکمه وظیفه سپرد تا مبنای قانونی براساس قانون اساسی و سایر قوانین شناسایی و تدبیری را به هدف تاسیس محکمه اختصاصی بسنجد.

ستره محکمه سرانجام به درخواست رئیس جمهور مبنی بر تاسیس محکمه تن داد. این محکمه پس از تایید رئیس جمهور رسماً ایجاد گردید. در ترکیب ساختاری این محکمه پنج قاضی که چهار تن آنان از محاکم استیناف کابل و ولایات دیگری و یک مستشار قضایی از ستره محکمه در آن شامل بودند. اعضای این محکمه سوگند یاد کرده و وفاداری خود را به قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان ابراز نمودند و تعهد کردند که به طور مستقل و بیطرفانه قضایای را که به آنان سپرده شده است، داوری می نمایند.

۵.۲ مبنای قانون اساسی و قوانین وضعی

ستره محکمه برای تاسیس این محکمه، سه مورد عمده را که قانون اساسی اجازه می داد، ارائه کرد. به صورت مشخص ستره محکمه به سه ماده ذیل اتکا داشت: ماده ۱۲۰ که صلاحیت قوه قضاییه شامل رسیدگی به تمامی دعاوی که از طرف اشخاص حقیقی و یا حکمی در پیشگاه محکمه ارائه می گردد را تایید میکرد، ماده ۱۲۲ که به هیچ قانونی اجازه نمی دهد در هیچ حالت قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضاییه خارج بسازد و به مقام دیگری تفویض کند. و ماده ۱۲۳ که بر اساس آن نیاز است تا قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراء محاکم و امور مربوط به قضاوت توسط قانون تنظیم گردد. ستره محکمه همچنان با اتکا به ماده ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم که به ستره محکمه اجازه می دهد تا سایر دیوان ها را در تشکیلات محاکم ابتدایی خود در مرکز و ولایات، با تایید رئیس جمهور ایجاد نماید.^{۱۰۴}

۱۰۱ " گزارش نهایی انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ افغانستان " ۱۰

۱۰۲ " سفارشات تیم حمایت از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ " (وارسا: سازمان امنیت و همکاری اروپا) ۲۰۰۵

۱۰۳ احمدزی، ابراز نظر شخصی، ۲۰۰۴

۱۰۴ جریده میزان (فصلنامه ستره محکمه) شماره ۱۴۷ ۱۳۸۹/۱۰/۲۹ (۲۰۱۰)

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، یک روز پس از ایجاد این محکمه اجلاس فوق العاده بی را برگزار کرد و به اتفاق آرا تاسیس کمیسیون را رد نمود. نخستین نکته مورد مناقشه برای کمیسیون استفاده از اصطلاح «خاص» بود که به محکمه نسبت داده شده بود، در حالی که قانون اساسی فقط برای محاکمه رئیس جمهور، قضات ستره محکمه و وزراء از محاکم خاص نامبرده است. آنها بر اساس قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم، صلاحیت ستره محکمه را جهت ایجاد محاکم «اختصاصی» تصدیق کردند، اما دلایل قانونی ارایه شده برای ایجاد محکمه اختصاصی انتخابات را کافی ندانستند. استدلال آنان این بود که حتی اگر این محکمه براساس مواد قانون برای ایجاد محاکم «اختصاصی» تاسیس میگردید (مشابه به محاکم اختصاصی اطفال) صلاحیت ها و تشکیل آن می بایست از قبل توسط قانون تنظیم میشد.^{۱۰۵}

برای این که دانسته شود در گذشته محاکم اختصاصی به چه شکلی تاسیس گردیده اند، مهم است تا به صورت مختصر این موارد بررسی گردد. ستره محکمه بر اساس ماده ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم تاکنون پنج محکمه اختصاصی را ایجاد کرده است: محکمه مبارزه با مواد مخدر، محکمه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محکمه حل منازعات ملکیت ها، محکمه اختصاصی فامیل و محکمه اختصاصی اطفال.^{۱۰۶} این محاکم براساس احکام ویژه قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم، قوانین جداگانه و یا هم قوانین جداگانه با رجوع به قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم ایجاد گردیده اند. به طور مثال محکمه تجارتي بر اساس ماده ۴۵ قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم ایجاد گردید. محکمه اطفال بر اساس ماده ۴۴ این قانون و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال و محکمه مبارزه با مواد مخدر بر مبنای قانون مبارزه با مواد مخدر و با رجوع به ماده ۵۰ قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم ایجاد گردیده اند. بنا، دیده می شود که ایجاد محاکم اختصاصی به نحوی که این محکمه ایجاد گردید، در ستره محکمه سابقه نداشته است. ستره محکمه همچنان نمیتوانست استدلال کند که قبلا هیچ گاهی با چنین وضعیت که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ رو به رو گردید، مواجه نشده است. برای ستره محکمه، در حقیقت هیچ دلیلی وجود نداشت که براساس آن می توانست محکمه اختصاصی را ایجاد نماید، مگر این که تشکیل و صلاحیت های چنین محکمه از قبل توسط قانون تنظیم میگردید.

ایجاد یک محکمه در نبود یک قانون از قبل وضع شده، به این معناست که ستره محکمه صلاحیت دارد تا تشکیل و صلاحیت قضایی محاکم جدید را تعریف کند. بر اساس ماده ۹۵ قانون اساسی، ستره محکمه صرف می تواند در ساحه تنظیم امور قضایی طرح قوانین را "پیشنهاد" نماید.^{۱۰۷} در ایجاد محاکم اختصاصی ستره محکمه صرف زمانی اقدام کرده است که قوانین خاص قبلا صلاحیت قضایی چنین محاکم را تعریف کرده بودند. پس زمانی که ستره محکمه تصمیم به ایجاد محکمه اختصاصی گرفت، خارج از محدوده "پیشنهاد" قانون، به وضع قانون اقدام ورزید.

به علاوه، زمانی که قانون کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی سال ۲۰۰۹ توسط پارلمان به تصویب رسید، به وسیله رئیس جمهور به دلیل این که در مطابقت با قانون اساسی قرار نداشته و ستره محکمه صلاحیت تفسیر قانون اساسی را دارد، رد گردید. پارلمان با استفاده از صلاحیت قانونی خود، با دو ثلث آرا این قانون را دوباره به تصویب رساند.^{۱۰۸} رئیس جمهور از ستره محکمه خواست تا این قانون را بر مبنای قانون اساسی بررسی نماید. این قانون زمانی که رد گردید رسمی منتشر شد، با قرار قضایی ستره محکمه همراه بود. این قرار قضایی از مخالفت ستره محکمه بنابر عدم مطابقت این قانون با قانون اساسی حکایت می کرد. به طور خاص این قرار قضایی به ماده ۱۲۱ قانون اساسی اشاره کرده و تصریح نموده بود که صلاحیت تفسیر قانون را ستره محکمه دارد.^{۱۰۹} در عین حال ستره محکمه چنین تلقی نموده بود که می تواند قانون را به صلاحیت خود تعدیل کند. بنا بخش های از قانون را که از دید آنها در تقابل با قانون اساسی قرار داشت، حذف و در عوض در پاورقی دلیل آنچه را که حذف گردیده بود، بیان نموده بود. این اقدام به طور واضح در مخالفت با ماده ۹۰ قانون اساسی قرار دارد که صرف پارلمان صلاحیت دارد تا قوانین را تصویب، «تعدیل» و یا لغو کند. ستره محکمه در این مورد مشخص، صلاحیت خود دانسته بود که به صورت یک جانبه قانون را تعدیل کرده می تواند و بعدا آن را به وزارت عدلیه فرستاده بود تا چاپ شود. در این مورد، حکومت نیز از قانون اساسی تخطی ورزیده بود. زیرا وزارت عدلیه هیچ گاهی در گذشته یک قانون را با درج پاورقی و حکم قضایی که این قانون در مطابقت با قانون اساسی نیست، منتشر نکرده بود.

با توجه به مثال ذکر شده، این مسله رویه قضایی را برجا گذاشت که بر اساس آن قوه قضاییه فرصت میابد در امور قانون سازی قوه دیگر دولت مداخله کند.

ابهامات دیگری نیز براساس ماده ۲۹ (۱)، (۷) قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم، بروز میکنند که به ستره محکمه صلاحیت ایجاد محاکم را با تعیین صلاحیت های اداری و قضایی آنها می دهد. اما ایجاد محاکم براساس این ماده در تضاد با ماده ۱۲۳ قانون اساسی قرار میگیرد که بر اساس آن نیاز است تا قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراء محاکم توسط قانون مشخص گردد. حتی در صورتی که ستره محکمه بر اساس قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم، محکمه جدیدی را پیشنهاد بکند، ایجاد چنین محکمه بی باید بر اساس حکم قانون و به

۱۰۵ گزینه های قانونی برای تاسیس محاکم خاص و اختصاصی توسط ستره محکمه برای داوری ادعای انتخاباتی " شماره ۷ (کابل: کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی) ۲۰۱۰

۱۰۶ ستره محکمه، <http://supremecourt.gov.af/en/page/۶۲۵> (به تاریخ ۱۵ فبروری ۲۰۱۴ به ان رجوع شده است)

۱۰۷ در ماده ۹۵ قانون اساسی چنین آمده است: " پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته میتواند..."

۱۰۸ ریگستانی، ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴

۱۰۹ در ماده ۱۲۱ قانون اساسی چنین آمده است: " بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد." قوه قضاییه و پارلمان این ماده را به شکل های مختلف تفسیر کردند، مثلی که قبلا گفته شد، صلاحیت تفسیر مربوط به ستره محکمه است و بعدا چنین صلاحیتی را رد می کند. بنا، پارلمان با تصویب قانون (ICOIC)، این صلاحیت را به آنان تفویض کرد.

وسيله يک رکن ديگري از دولت صورت گيرد. بنا قانون تشکيل و صلاحيت های محاکم نبايد به شيوه يی تفسير شود که ستره محکمه اجازه ييابد محکمه اختصاصی را در نبود قانون از قبل وضع شده ايجاد نمايد.

سلسله مکاتيب میان دفتر رئيس جمهور، کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی و ستره محکمه مسئله را پيچيده تر ساخت. کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی در يک نظريه حقوقی اش از مکتوبی که از سوی دارلانشای شورای وزيران دريافت کرده بود سخن ميگفت. ضمايم اين مکتوب شامل دو مکتوبی از سوی ستره محکمه ميشد که تاريخ و شماره يکسان داشت و خواستار تاييد اين محکمه گردیده بود. در پايان هر مکتوب، حکم رياست جمهوری نیز درج گردیده بود.^{۱۱۰} در يک حکم تاسيس محکمه يک مرحله يی تاييد شده بود درحالی که حکم دومی ايجاد محکمه را (بدون مشخص کردن چند مرحله يی بودن آن) تاييد کرده بود.^{۱۱۱}

نقطه نظرات ستره محکمه و دفتر رئيس جمهور، دال بر عدم وضاحت در خصوص چگونگی ايجاد محکمه است. ستره محکمه در تصميم نهايي خود مشخص نساخته بود که اين محکمه بايد يک مرحله يی باشد يا سه مرحله يی. ممکن است که رئيس جمهور خواستار ايجاد محکمه يی يک مرحله يی بوده باشد تا تصاميم آن نهايي بوده و قابل استيناف خواهی نباشد. از نظر کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی هر دو شکل اين محاکم خلاف قانون بود و کميسيون تاکيد داشت که محکمه يک مرحله يی به صورت خاص در مطابقت با قانون اساسی نيست.

از سوی ديگر، کميسيون مستقل انتخابات در جستجوی دريافت نظر کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی در مورد صلاحيت لوی سارنوالی در خصوص رسيدگی قانونی به جنجال های انتخاباتی و همچنان قانونيت داشتن ايجاد محکمه اختصاصی انتخابات بود. کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی با تفسير ماده های ۱۵۶ و ۸۶ قانون اساسی به اين نظر بود که کميسيون مستقل انتخابات بر مبنای قانون اساسی صلاحيت دارد تا هر نوع انتخابات را در افغانستان اداره و نظارت نمايد. کميسيون همچنان معتقد بود که کلمه "نظارت" اشاره يی است به کنترل همه پروسه های انتخاباتی تا از قانون تخطی صورت نگيرد و مطابقت اجراء را با تمام قوانين تامين نمايد. در عين حال صلاحيت نهايي صحنه گذاشتن به انتخابات در حيطه صلاحيت کميسيون شکايات انتخاباتی خواهد بود.^{۱۱۲} کميسيون همچنان اظهار داشت که صلاحيت تفويض شده براساس قانون به کميسيون مستقل انتخابات جهت بررسی وثايق انتخاباتی، همچنان به اين کميسيون صلاحيت ضمنی داده است تا تمامی پروسه به شمول رای دهی تا مرحله شمارش را بررسی نمايد. لهذا، کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی نهايي بودن تصاميم کميسيون شکايات انتخاباتی را تاييد کرد که پس از آن کميسيون مستقل انتخابات ميتوانست نتايج نهايي انتخابات را اعلان کند.^{۱۱۳} اما کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی تصريح نمود که کميسيون مستقل انتخابات، تخطی های انتخاباتی را از مسايل جرمی تفکيک نموده، مسايل جرمی را به نهادهای مجری قانون راجع سازد. مگر تحقيق و پيگرد موارد جرمی به وسيله مجريان قانون، نه جلو اعلان نتايج نهايي به وسيله کميسيون مستقل انتخابات و نه افتتاح پارلمان را بگيرد.

کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی همچنان اظهار داشت که نیاز است تا بر اساس ماده ۸۳ قانون اساسی از تصميم نهايي کميسيون شکايات انتخاباتی حمايت صورت گيرد. ماده ۸۳ صراحت دارد که انتخابات بايد ۳۰ الی ۶۰ روز قبل از ختم دوره کار پارلمان برگزار گردد.^{۱۱۴} اين ماده همچنان بيان ميدارد که اجلاس ولسی جرگه همزمان با اعلان نتايج نهايي انتخابات، پايان می يابد. بنا به نظر می رسد که قانون اساسی هيچ خلای را میان دو پارلمان به جا نگذاشته است. کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی در پايان تذکر داد که در صورتی که تصميم کميسيون شکايات انتخاباتی نهايي نباشد، الزاما پروسه انتخابات در وقت معين آن تکميل نشده و از آنچه در ماده ۸۳ ذکر گردیده، تخطی صورت گرفته است. کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی معتقد بود که کاندیدهای ناموفق همواره مایل اند تا نتايج انتخابات را به چالش بکشانند. اگر اين ادعاها در يک محکمه عادی بررسی شوند، با در نظر داشت اصول محاکمات (پروسيجرها)، بسيار وقت گير خواهند شد و ممکن نيست که آنچه در ماده ۸۳ ذکر گردیده است، تحقق يابد.

کسانی که از سوی کميسيون مستقل انتخابات و کميسيون شکايات انتخاباتی برنده اعلان می شوند، بايد کرسی های شان را در پارلمان جديد احراز نمايند، الی اینکه يک محکمه با صلاحيت بر عکس آن را حکم کند. بنا نظريه کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی توازن محتاطانه يی را در زمينه حقوق کاندیداها، صلاحيت محاکم و نیاز برای تامين ادامه کار پارلمان، ايجاد کرد. زمانی که نتايج انتخابات تصديق و اعلان گردید، کاندیدهای ناموفق ميتوانند برای حفظ حقوق شان و در رابطه به موضوعات مورد مناقشه در انتخابات در محکمه اقامه دعوی نمايند. ضمناً نهادهای مجری قانون می توانند مطابق به قانون وظيف شان را عملی کرده و تحقيقات در رابطه به مسايل جرمی را انجام بدهند. اما موجوديت منازعه انتخاباتی و يا هم تحقيقات در اين مورد نبايد سد راه پروسه اعلان برندگان و افتتاح پارلمان گردد.^{۱۱۵}

۱۱۰ در افغانستان به عنوان بخشی از سنت اداری، هر زمانی که يک درخواست از يک اداره به ديگری فرستاده می شود، رهنمود عملکرد درپايين مکتوب ذکر می گردد و به وسيله يک شخص با صلاحيت امضا می شود.

۱۱۱ "نظريه حقوقی در مورد قضاوت محکمه اختصاصی روی اعتراض کاندیدا های ناراض" شماره ۸ (کابل: کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی، ۲۰۱۰)

۱۱۲ "نظريه حقوقی کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی در مورد مرجع رسيدگی به شکايات و جرايم انتخاباتی" شماره ۱۳. (کابل: کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی، ۲۰۱۰)

۱۱۳ "نظريه حقوقی کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی در مورد مرجع رسيدگی به شکايات و جرايم انتخاباتی" شماره ۱۳.

۱۱۴ ماده ۸۳ قانون اساسی افغانستان، سال ۲۰۰۴

۱۱۵ "نظريه حقوقی کميسيون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی در مورد مرجع رسيدگی به شکايات و جرايم انتخاباتی" شماره ۱۳.

۵.۳ اجراءات محکمه

با وجود اعتراضات گسترده بی از سوی نهادهای انتخاباتی، نهادهای ملی و بین المللی نظارت کننده انتخابات، بسیاری از کاندیدها، احزاب سیاسی و حقوقدانان، این محکمه ایجاد گردید. همه طرف ها، قانونی بودن و مطابقت این محکمه را با قانون اساسی زیر سوال قرار دادند. با وجود آن به محکمه وظیفه سپرده شده بود تا نتایج جنجال برانگیز انتخابات را در ۳۳ ولایت مرور کند. این کار مستلزم انجام پروسه جدید شمارش و بررسی دقیق آرای صندوق های قرنطین شده بود.

این محکمه خواستار حمایت کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی گردیده بود. این درحالی است که هر دوی این نهادها، محکمه را حریف غیرقانونی خود خوانده و درخواست همکاری با آن را رد کرده بودند. اعضای کمیسیون ها که با آنان مصاحبه صورت گرفته، اظهار داشتند که دلیلی برای حمایت از محکمه نمی دیدند. در نتیجه این کمیسیون ها، طرز العمل های را که بر اساس آن صندوق ها قرنطین شده بودند، پروسیجر شمارش آرا و سایر طرز العمل های عمومی و رهنمودهای را که کمیسیون مستقل انتخابات یا کمیسیون شکایات انتخاباتی در بخش های مختلف پروسه مورد استفاده قرار داده بودند، به این محکمه توضیح ندادند. این محکمه به طور علنی از عدم همکاری کمیسیون مستقل انتخابات انتقاد کرد، اما با آن هم از سوی کمیسیون همکاری صورت نگرفت.^{۱۱۶} کار محکمه برای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی به خصوص در بخش شمارش مجدد آرای قرنطین شده پذیرفتنی نبود. بنا محکمه در انزوا به کار خود ادامه داد و آن را تکمیل کرد. این محکمه از چندین نهاد درخواست کرد تا به عنوان ناظر در پروسه حضور بیابند، اما همه نهادها به شمول بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان از پیوستن به این کار ابا ورزیده و کار آن را در مطابقت به قانون، مورد سوال قرار دادند.^{۱۱۷} اعضای این محکمه به ۳۳ ولایت که از آن شکایات دریافت شده بود، سفر کرده و شمارش مجدد را انجام دادند. پس از پنج ماه کار، این محکمه اعلان کرد که ۶۲ تن از کاندیدهای ناراضی در ۲۷ ولایت برنده بوده اند.

پس از آنکه محکمه کار خود را تکمیل کرد، پرسشی به میان آمد که آیا حکم این محکمه قابل استیناف طلبی است و یا خیر؟ ستره محکمه به این پرسش جواب مثبت داد. محکمه همچنان در حکم خود حقوق طرفین را در خصوص استیناف طلبی، محفوظ دانست. در نهایت یک محکمه استیناف به درخواست چندین تن از کاندیدهای ناراضی که از قضاوت محکمه اختصاصی مستفید نگردیده بودند، تصمیم محکمه را بررسی کرد. ۶۲ تن از اعضای پارلمان که از اول به وسیله کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی برنده شناخته شده بودند، با تصمیم محکمه اختصاصی مخالفت نکردند، زیرا از دید آنان محکمه اعتبار قانونی نداشت.^{۱۱۸} در نهایت محکمه استیناف به نوبه خود همان تصمیم اولی محکمه اختصاصی را تصدیق کرد.

۵.۴ مبنای سیاسی؟

بحرانی که پس از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ بروز کرد، تنها ناشی از موجودیت ایهامات قانونی نبود. سوالات در مورد مشروعیت و قانونی بودن محکمه و همچنان عملکرد کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی به نزاع بزرگ سیاسی مبدل گشت.^{۱۱۹} قوانین اساسی و مقرر ها مردم و اجتماعات را وادار به عمل نمی کنند، بلکه مردم و جوامع قوانین را در عمل پیاده می کنند. حتی بهترین قوانین اساسی در جهان نیز در نبود اراده سیاسی، نمی تواند قابلیت تطبیق داشته باشد. برعکس، قوانین اساسی ضعیف و حتی قوانین نوشته نشده در صورتی که نظام سیاسی برای تطبیق آن متعهد باشد، درست عمل می کنند.^{۱۲۰} از زمانی که نتایج ابتدایی انتخابات اعلان شد، این مسئله واضح بود که جو سیاسی به طور قابل ملاحظه به زبان رئیس جمهور تغییر خواهد کرد. وی در نارضایتی از میکانیزم های موجود انتخاباتی به ایجاد یک نهاد جدید مبادرت ورزید که نتایج انتخابات را به نفع اش شکل بدهد. با تاسف پروسه مداخله قوه اجراییه بازتاب دهنده عدم موجودیت اراده قوی در نظام سیاسی افغانستان برای رعایت از قانون اساسی است.

استدلال رئیس جمهور برای ایجاد محکمه ناشی از عدم رضایت وی به خاطر اعلان نتایج ولایت غزنی بود که توسط کمیسیون مستقل انتخابات اعلان شده بود و در آن برنده تمامی ۱۱ کرسی ولایت غزنی هزاره ها بودند. این در حالی است که برخی از عوامل مهم دیگر به شمول ناکامی حامیان وی در انتخابات، بی میلی برای ظهور یک پارلمان قوی و تمایل وی برای تحت شعاع قرار دادن نهادهای انتخاباتی، دخیل بوده است. پس از اعلان نتایج ابتدایی انتخابات، رئیس جمهور فوراً برای برگزاری مجدد انتخابات پافشاری داشت. وی تاکید داشت که نبود نمایندگی پشتونها باعث بدتر شدن وضعیت شکننده امنیتی در غزنی خواهد شد. این درحالی است که برای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی تغییر نتایج یک گزینه نبود. آنان اعلان نتایج نهایی ولایت غزنی را برای یک هفته به تعویق انداختند، اما سرانجام همان نتایج ابتدایی را مورد تایید قرار دادند.^{۱۲۱}

۱۱۶ «کنفرانس خبری محکمه اختصاصی» جریده میزان (فصلنامه ستره محکمه) ماه فبروری سال ۲۰۰۹ (سال خورشیدی ۱۳۸۹/۲۰/۱۱)

۱۱۷ «اعلامیه مطبوعاتی» بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان، ۱۶ دسامبر سال ۲۰۱۰.

۱۱۸ مقام بلند پایه (ستره محکمه افغانستان) ابراز نظر شخصی، فبروری سال ۲۰۱۴

۱۱۹ قاضی جان کریگلر (کمیشنر اسبق کمیسیون شکایات انتخاباتی، ۲۰۱۰) ابراز نظر شخصی، فبروری ۲۰۱۴

۱۲۰ قاضی جان کریگلر، نظر شخصی، فبروری سال ۲۰۱۴

۱۲۱ برای دریافت جزئیات بیشتر در مورد شمار آرای ولایت غزنی، رجوع شود به جانسن پرتلو « مقامات می گویند: تاخیر در یک ولایت رای دهی مجدد انتخابات افغانستان را ممکن ساخته است» روزنامه واشنگتن پست بخش خارجی ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰، توماس روتینگ، « درامه انتخابات غزنی، این سیستم است » چینل جنوب آسیا، سیاست خارجی، ۲ دسامبر سال ۲۰۱۰.

مداخله قوه اجرائیه در پروسه انتخابات سال ۲۰۱۰ تجربه انتخابات گذشته را تکرار کرد. پس از انتخابات سال ۲۰۰۹، دولت به کمیسیون مستقل انتخابات اتکا کرد تا آنچه از کاندیداهایی را که از دولت در جریان انتخابات انتقاد کرده بودند، مورد پیگرد قرار بدهد. در نخستین وهله انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ نیاز بود تا کاندیداها نام های ۱۰،۰۰۰ تن از حمایت کننده های شان را همراه با معلومات مندرج در کارت های رای دهی و سایر جزییات افراد را به کمیسیون مستقل انتخابات تسلیم می کردند.^{۱۳۳} اما هیچ یک از کاندیدان ملزم به گرفتن ۱۰،۰۰۰ رای از این حامیان نبودند. پس از انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات کاندیداهای را که نتوانسته بودند ۱۰،۰۰۰ رای به دست بیاورند، به لوی سارنوالی راجع ساخت و ادعا کرد که این افراد قبل از انتخابات مرتکب تقلب شده اند. لوی سارنوالی این کاندیداها را برای تحقیق احضار کرده بود. اما در حقیقت این کاندیداها به خاطری هدف قرار گرفته بودند که آنان شفافیت انتخابات و جانبدار بودن کمیسیون مستقل انتخابات را به صورت علنی مورد انتقاد قرار داده و تهدید کرده بودند که نتایج انتخابات را در برابر محاکم ملی و بین المللی تحت پرسش قرار خواهند داد.^{۱۳۴} اقدام لوی سارنوالی تخطی آشکار از اصل قانونی جرایم بود، که هیچ عمل را الی اینکه در قانون تعریف شده باشد، جرم نمی پندارد.

در پایان هر انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی فهرستی از تخطی کننده های انتخاباتی را به لوی سارنوالی ارائه می کنند. این روش یکبار دیگر در پایان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ به کار برده شد. اما لوی سارنوالی تاکنون از هیچ مورد پیگرد در خصوص انتخابات سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ گزارشی ارائه نکرده است.^{۱۳۵} بدون تعجب همچنان هیچ پیگردی هم پس از انتخابات سال ۲۰۱۰ تاکنون صورت نگرفته است. متأسفانه، نبود اقدام قانونی برای پیگرد و مجازات کسانی که تقلب کار و تخطی کننده انتخاباتی شناخته شده بودند، صرف به تقویت فرهنگ مصئونیت در افغانستان کمک کرده است.

۵.۵ انحلال محکمه و انتقال صلاحیت ها به کمیسیون مستقل انتخابات

رئیس جمهور تحت فشارهای داخلی و جامعه بین المللی برای پایان دادن به مداخله غیرقانونی در پروسه انتخابات، در خلال پنج روز محکمه را منحل کرد و به کمیسیون مستقل انتخابات اجازه داد تا تصمیم نهایی خود را اتخاذ کند.^{۱۳۵}

کمیسیون مستقل انتخابات بعدا اعلان کرد که فرمان ریاست جمهوری را دریافت کرده است که پس از حکم قضایی شماره ۲۲ محکمه استیناف صادر گردیده است که در آن "صلاحیت تصمیم گیری در مورد جنجال های انتخاباتی به رئیس جمهور تفویض گردید و رئیس جمهور کمیسیون مستقل انتخابات را موظف ساخت تا تصمیم نهایی را در مطابقت با ماده های (۳۳)، (۸۶) و (۱۵۶) قانون اساسی و ماده های (۶۲)، (۶۳) و (۶۴) قانون انتخابات و حکم قضایی شماره (۲۲)^{۱۳۶} اتخاذ نماید." که این خود در حقیقت اعلان انتقال صلاحیت به رئیس جمهور بود.

لحن اعلامیه کمیسیون مستقل انتخابات میرساند که حکم قضایی شماره ۲۲^{۱۳۷} محکمه استیناف، صلاحیت تصمیم گیری را به رئیس جمهور تفویض کرده است. این مسئله در تقابل با تمام اصول استقلال قضا قرار میگیرد زیرا برای قوه اجرائیه فرصت فراهم می نماید تا نسبت به تصمیم محاکم دست بالایی داشته باشد. این مسئله همچنان ماده ۱۲۹ قانون اساسی را نقض می کند که خواهان اجرای همه تصمیم محاکم و نهایی ساختن احکام محکمه مطابق به قانون تشکیل و صلاحیت های محاکم است.

سرانجام این منازعه به یک معامله میان طرف های ذیدخل انجامید. زمانی که به نظر میرسید رئیس جمهور کرسی در آخرین دقایق از تلاش اش دست کشیده، وی در حقیقت برای حفظ آبروی خود به کمیسیون مستقل انتخابات فرصت داد تا تصمیم نهایی را اتخاذ نماید و در مقابل برخی از کاندیداها بتوانند به پارلمان راه یابند.

این سازش یا مصالحه بحران قانون اساسی را پایان داد. اما برخورد با این قضایا نشاندهنده اقدامات فراتر از قانون اساسی به وسیله مقامات دولتی و به صورت مشخص رئیس جمهور بوده است. رئیس جمهور ابتدا قوه قضاییه را تحت فشار قرار داد تا محکمه را ایجاد کرده و زمینه های قانونی را برای توجیه موجودیت آن فراهم نماید. اما بعدا رئیس جمهور پس از تکمیل کار محکمه، حکم انحلال آن را صادر کرد. زمانی که وی صلاحیت را به کمیسیون مستقل انتخابات تفویض کرد از کمیسیون خواست تا قبل از اعلان تصمیم نهایی خود، تصمیم محکمه را مرور کند. هیچ یک از عملکرد های وی که قدرت فراتر از قانون را به نمایش میگذاشت، اساس قانونی نداشت. اما به طور شگفتی آوری تسلط وی بالای قوه قضاییه به حدی قوی بود که زمانی او محکمه را منحل ساخت و صلاحیت را به کمیسیون مستقل انتخابات تفویض نمود، قوه قضاییه هیچ تلاشی به هدف زیر سوال قرار دادن تصمیم وی انجام نداد.

۱۳۲ قانون انتخابات، ماده ۳۵، ۲۰۰۵

۱۳۳ بشیر بیژن (کاندید اسبق و یکی از کاندیداهای که احضار شده بود) ابراز نظر شخصی، فبروری سال ۲۰۱۴

۱۳۴ سازمان امنیت و همکاری اروپا / اداره نهاد های دموکراتیک و حقوق بشر، تیم حمایت از انتخابات این موضوع را پس از دیدار با معاون لوی سارنوال به تاریخ ۱۴ اکتوبر سال ۲۰۱۰ گزارش داد درمورد رجوع شود به « گزارش تیم حمایت از انتخابات »

۱۳۵ برای دریافت جزییات بیشتر در مورد انحلال محکمه رجوع شود به سکاوت وارن « کرسی بحران انتخابات افغانستان را نادیده میگیرد » فارین پالیسی، چیل جنوب شرق اسیا، ۱۰ اگست ۲۰۱۱، رحیم فایز و هیدی وگت: « محاکم افغانستان نمی توانند انتخابات را تغییر بدهند » حامد کزلی هافینگتن پست، ۱۰ اگست ۲۰۱۱.

۱۳۶ اعلامیه مطبوعاتی « کمیسیون مستقل انتخابات » ۲۱ اگست ۲۰۱۱ http://www.iec.org.af/pdf/wolesi-pressr/pressr_deliberation_complaints_cn_2011_wj_2010-21-Aug-2011.pdf (به تاریخ ۱۰ فبروری ۲۰۱۴ به ان رجوع شده است)

۱۳۷ متن حکم قضایی شماره ۲۲، برای استفاده در تحقیق در دسترس قرار نداشت.

به وسیله نهادهای مختلف و براساس منافع آنان مورد تفسیر قرار گرفت. تعبیر ستره محکمه^{۱۳۳} از این ماده این بود که صرف این نهاد صلاحیت تفسیر قانون اساسی را دارد. در حالی که قوه مقننه و کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی متفاوت^{۱۳۴} می‌اندیشند. به طور مثال یک عضو کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی ابهامات موجود در ماده ۱۲۱ قانون اساسی را تایید کرده و استدلال میکند که ماده ۹۴ قانون اساسی اجازه داده است تا کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی بر مبنای قانون به میان بیاید. وی بعداً به ماده ۹۴ قانون اساسی اشاره میکند که به شورای ملی صلاحیت می‌دهد تا قوانین را تصویب کند. بنا بر وی در خاتمه اظهار میدارد که این صلاحیت بر مبنای قانون اساسی مشروع است زیرا قانونا کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی توسط پارلمان تصویب گردیده و قانون این صلاحیت را به کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی، تفویض کرده است.^{۱۳۵}

در صورتی که بر مبنای ماده ۱۲۱ قانون اساسی، ستره محکمه صلاحیت بررسی مطابقت قوانین را با قانون اساسی دارد، بنا چگونه می‌تواند این بررسی را بدون تفسیر قانون اساسی انجام بدهد؟^{۱۳۶} البته واضح است که پارلمان قوانینی را که صریحاً در مخالفت با متن قانون اساسی باشد، تصویب نمی‌کند. ستره محکمه به خاطر بالایی صلاحیت خود جهت تفسیر قانون اساسی تاکید داشت که در مواردی وضع یک قانون مشخص می‌تواند در مخالفت با فحوی احکام قانون اساسی قرار داشته باشد. در چنین حالتی، بسیار مهم است که یک نهاد مانند قوه قضاییه قانون را بررسی کند تا مطمئن شود که قانون در مطابقت با قانون اساسی تفسیر شده است.

زمانی که پارلمان قانون کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی را به تصویب رساند، جالب بود که به این کمیسیون صلاحیت داده شد تا قوانین را از نگاه مطابقت آن با قانون اساسی بررسی نماید. این مسئله در مخالفت کامل با ماده ۱۲۱ قانون اساسی قرار داشت که صریحاً این صلاحیت را به ستره محکمه تفویض کرده است. در ماده ۱۲۱ چنین آمده است:

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق‌های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها براساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد.

لذا، به صلاحیت ستره محکمه در خصوص تفسیر قانون اساسی و بررسی تطابق قوانین با قانون اساسی، نه تنها باید احترام گذاشته شود، بلکه باید با اصلاح یا تعدیل قانون کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، به اجرا گذاشته شود. نقش کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی باید به عنوان نهاد "آگاه کننده" باقی بماند تا مطابقت عملکرد نهادهای مختلف در مطابقت با قانون اساسی یقینی گردد و جای که تخطی صورت می‌گیرد، تخطی کننده آن به هدف قضاوت، به ستره محکمه راجع گردد.

صلاحیت همزمان دو نهاد برای تفسیر قانون اساسی و بررسی قوانین، به نهادها فرصت داده است تا به هر یکی از این دو با در نظر داشت اینکه تصمیم کدام یک مطابق به خواست این نهادها خواهد بود، مراجعه کنند. نبود وضاحت در رابطه به صلاحیت‌های این دو نهاد منجر گردیده است که صلاحیت قوه قضاییه تضعیف گردد و به قوه اجراییه و سایر نهادها فرصت دستکاری فراهم نماید.

اما در شرایط کنونی در افغانستان، پیش شرط این است تا ستره محکمه قبل از آنکه صلاحیت تفسیر را داشته باشد، باید دارای استقلالیت باشد. در صورتی که ستره محکمه در برابر خواسته‌های قوه اجراییه همچنان مطیع باقی بماند، قوه قضاییه یک نهاد موثر برای تفسیر قانون اساسی بوده نمی‌تواند. تفسیر قانون اساسی بر اساس میل قوه اجراییه و یا قضات، برای آنان قدرت خودسرانه را میدهد و هدف داشتن یک قانون اساسی را نفی میکند.^{۱۳۷}

در حالات مشخص و به عنوان یک رویداد ناخواسته، زمانی که قوه قضاییه نتواند استقلالیت و جانبداری خود را حفظ کند، چنانکه در تصمیم آن برای ایجاد محکمه اختصاصی دیده شد، گزینه بهتر این خواهد بود که به کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی اجازه داده شود تا قانون اساسی را تفسیر کند. این در حالی است که ابهام در خصوص صلاحیت تفسیر قانون اساسی همچنان پا برجا خواهد ماند. به علاوه، موقف اتخاذ شده توسط کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، در جریان انتخابات سال ۲۰۱۰ بیشتر انعکاس دهنده نظریات تعداد مشخصی از اعضای آن در برابر قوه اجراییه بود که پشتیبانی همه اعضای کمیسیون را با خود نداشت.^{۱۳۸} لاجرم، همانند ستره محکمه، وقتی عضویت در کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی تغییر بیابد، میزان عدم جانبداری در آن نیز به مخاطره خواهد افتاد.

۵.۷ آینده نهادهای انتخاباتی

پس از برگزاری انتخابات سال ۲۰۱۰، نیاز جدی برای اصلاح قوانین انتخاباتی به صورت مشخص در بخش صلاحیت نهادهای انتخاباتی محسوس بود. قانون انتخابات، پس از مباحثات زیاد و مشاجرات سیاسی بالاخره در ماه جولای سال ۲۰۱۳ در پارلمان مورد بحث قرار گرفت و تصویب شد.

۱۳۳ مقام بلند پایه ستره محکمه، ابراز نظر شخصی ۲۰۱۴

۱۳۴ قوه مقننه صلاحیت ستره محکمه را در خصوص تفسیر رد کرده و این صلاحیت را حق کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی دانست.

۱۳۵ امین احمدی، «صلاحیت تفسیر قانون اساسی در افغانستان» <http://icoic.gov.af/Content/files/%D9%85%D8%B1%D8%AC%D8%B9%20%D8%AA%D9%81%D8%B3%DB%AC%D8%B1%20%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86%20%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%DB%AC.pdf> (در ماه مارچ ۲۰۱۴ به آن رجوع شده است)

۱۳۶ نادر نادری، (رئیس بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان) ابراز نظر شخصی، ماه فبروری سال ۲۰۱۴

۱۳۷ رجوع شود، به طور مثال رابرت بروک، مباحثه زیاد: تفسیر قانون اساسی ما ۴۳ (واشنگتن دی سی، جامعه فدرالیست، ۲۰۰۵).

۱۳۸ ابراز نظر شخصی، کابل ۲۰۱۴

پارلمان همچنان قانون جداگانه‌ی تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی را تصویب نمود.^{۱۳۶} با تصویب این قانون پارلمان تلاش کرد تا استقلالیت ساختاری هر دو کمیسیون انتخاباتی را حفظ نموده و تسلط رئیس‌جمهور را بر انتخاب اعضای هر دو کمیسیون محدود بسازد. این قانون کمیسیون شکایات انتخاباتی را به یک نهاد دایمی مبدل کرد و کلمه "مستقل" را به آن اضافه کرد تا نقش آن به عنوان یک نهاد نظارت‌کننده، تقویت گردد.

قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی یک "کمیته‌گزینش" (از این پس کمیته) را به هدف دریافت درخواستی کاندیداهای واجد شرایط برای احراز پست‌های اعضای هر دو کمیسیون و بررسی اسناد آنان، معرفی کرد. اما قانون داشتن هیچ نوع تجربه انتخاباتی را از کاندیدها درخواست نکرده بود.^{۱۴۰} این کمیته باید ۲۷ کاندید را به کمیسیون مستقل انتخابات و ۱۵ کاندید را به کمیسیون شکایات انتخاباتی، به رئیس‌جمهور معرفی می‌کرد تا وی بتواند به ترتیب ۹ تن را به عضویت در کمیسیون مستقل انتخابات و ۵ تن را به کمیسیون شکایات انتخاباتی برگزیند. برای هر پست در کمیسیون‌ها، سه کاندید پیشنهاد می‌شد تا وی از میان آنان افراد را توظیف کند. نظر به قانون، در ساختار این کمیته روسای هر دو مجلس شورای ملی، قاضی القضا، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر، رئیس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی و یک نماینده از جامعه مدنی شامل بودند.

پس از آنکه این قانون به تصویب رسید، فوراً کمیسیون مستقل انتخابات ادعا کرد که کمیته‌گزینش غیرقانونی و غیرمنطقی است.^{۱۴۱} کمیسیون مستقل انتخابات و سایرین که با ایجاد این کمیته مخالف بودند عقیده داشتند که اجرای چنین میکانیزمی، تخطی از صلاحیت‌هایی است که قانون اساسی برای رئیس‌جمهور داده تا مقرری‌های نهادهای دولتی را انجام دهد. در حالی که فقره ۱۳ ماده ۶۴ قانون اساسی به رئیس‌جمهور اجازه می‌دهد تا مقامات عالی رتبه را توظیف نماید، اما قانون اساسی اشاره صریح به گزینش اعضای کمیسیون مستقل انتخابات توسط رئیس‌جمهور ندارد.

این درحالی است که طرفداران کمیته‌گزینش استدلال می‌کردند که در ماده ۶۴ قانون اساسی به وضاحت گفته شده است که مقرری‌های دولتی باید براساس قانون صورت بگیرد. قانون اساسی به صورت خاص الزامی ساخته است که: "به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری باید تدابیر لازم اتخاذ شود. اداره اجراء خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می‌سازد... اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می‌شوند."^{۱۴۲} برعلاوه، صلاحیت کمیته‌گزینش به معرفی فهرست کاندیداهای واجد شرایط محدود گردیده بود و در نهایت صلاحیت در اختیار رئیس‌جمهور بود تا تصمیم‌نهایی را اتخاذ نماید.

کار کمیته به سه دلیل موثر نبود. اول، به خاطر مداخله سیاسی قوه اجراییه که نمی‌خواست نماینده منتخب جامعه مدنی در این پروسه شامل گردد.^{۱۴۳} این درحالی است که نهادهای جامعه مدنی رئیس‌بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان را کاندید کردند. این نهاد از سال ۲۰۰۴ به این طرف انتخابات افغانستان را نظارت کرده است. اما دارالانشای شورای وزیران افغانستان ادعا کرده بود که جامعه مدنی هیچ فردی را به کمیته معرفی نکرده و لهذا رئیس‌بنیاد انتخابات شفاف افغانستان^{۱۴۴} یک نهاد تازه تاسیس شده را به عنوان عضو در این کمیته معرفی کرد. در نهایت نماینده جامعه مدنی صرف توانست در گزینش اعضای کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی اشتراک داشته باشد، نه در گزینش اعضای کمیسیون مستقل انتخابات.

دوم، قانون در برگیرنده حضور نماینده احزاب سیاسی در این کمیته نبود. اما منطقی‌ترین احزاب سیاسی در این پروسه حضور می‌داشت و یا حداقل به عنوان ناظر اشتراک می‌کرد تا شفافیت پروسه یقینی می‌شد. سوم، در بین کمیته تمایل واضح میان بسیاری از اعضا وجود داشت که تا کاندیدها براساس ارجحیت حکومت معرفی گردند. حتی اگر برخی از اعضای کمیته با نظر اکثریت در مورد یک شخص موافق نمی‌بود، رای اکثریت براساس قانون پذیرفتنی بود.^{۱۴۵} در عین حال گزارش شده است که اعضای کمیته قبل از این که فهرست نهایی ۲۷ کاندید را به رئیس‌جمهور بسپارند، با وی دیدار کرده و در مورد با وی صحبت نموده بودند.^{۱۴۶}

کمیته همچنان فاقد طرزالعمل و رهنمودها در زمینه گزینش کاندیدها بود. قانونی که این کمیته را به میان آورده بود، جزئیات قابل ملاحظه‌ی بی‌را در مورد چگونگی اجرای امور آن ارائه نکرده بود.^{۱۴۷} بنا بر گزینش نهایی کاندیدها به صورت شتابزده انجام شد و منجر به انتقاد شدید جامعه مدنی گردید و گفته شد که اکثریت کاندیدها افراد طرفدار ارگ بودند.^{۱۴۸}

۱۳۹ قانون درخصوص تشکیل، وظایف و صلاحیتهای کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی و قانون انتخابات (جریده رسمی شماره ۱۱۱۲) ۲۰۱۳ (سال ۱۳۹۲ خورشیدی)

۱۴۰ قانون درخصوص تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، ماده ۷ (۳) و ۲۱ (۳).

۱۴۱ صالحه سادات، «کمیته‌گزینش و کمیسیون شکایات انتخاباتی غیرقانونی: رئیس کمیسیون مستقل انتخابات «طلوع‌نور»- انتخابات ۲۰۰۴، ۲۷ جولای ۲۰۱۳.

۱۴۲ قانون اساسی افغانستان، ماده ۵۰، ۲۰۰۴.

۱۴۳ شبکه تحلیلگران افغانستان گزارش داد که «نماینده گان جامعه مدنی اداره امور را متهم کردند که به طور ماهرانه این پروسه را تحت سوال قرار داده بنا از حضور بالقوه جامعه مدنی در کمیته گزینش جلوگیری کرد، که این به معنی ایجاد مانع جهت مهندسی خاموشانه فهرست نهایی کاندیدهاست.» گران هیواد، مارتین ون بیلرت و توماس روتینگ «یک پروسه شتابزده: کمیسیون جدید و مستقل انتخابات اعلان گردید» (کابل: افغانستان شبکه تحلیلگران افغانستان، ۲۰۱۳)

۱۴۴ سادات: «کمیته‌گزینش و کمیسیون شکایات انتخاباتی غیرقانونی است»

۱۴۵ قانون درخصوص تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، ماده ۸ (۳) و ماده ۲۲ (۳).

۱۴۶ هیواد، وان بیلرت و روتینگ، «یک پروسه شتابزده»

۱۴۷ نادری، ابراز نظر شخصی، ۲۰۱۴.

۱۴۸ هیواد، وان بیلرت و روتینگ، «یک پروسه شتابزده»

با آنکه نه پروسه گزینش و نه هم کاندیداهای منتخب ایده ال بودند، اما این میکانیزم تا حدی حفاظت از پروسه را تامین میکند تا اعضای کمیسیون ها محضا توسط رئیس جمهور انتخاب نشوند. بنا این اصلاح نسبی در قانون گام بلندی به سوی حفظ بیطرفی نهادهای انتخاباتی است. به علاوه صلاحیت کمیسیون شکایات انتخاباتی در کل همچنان تغییر نخورده باقی ماند. طوری که قانون تاکید کرد که تصامیم کمیسیون شکایات انتخاباتی "نهایی" و "تغییر ناپذیر" است. این شرط قانون سایر نهادها را از مداخله در تصمیم نهایی کمیسیون شکایات انتخاباتی باز می دارد و مصونیت کمیسیون را در مقابل مداخلات سیاسی در آینده، تضمین می کند.

ویژگی های دیگر قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی سال ۲۰۱۳ شامل تامین مصونیت اعضای کمیسیون از بازداشت بدون حکم یک محکمه با صلاحیت (ماده ۱۱ و ۲۳) و توظیف وزارت داخله برای تامین امنیت هر دو کمیسیون، می باشد (ماده ۳۳).

این قانون کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی را موظف ساخته است تا جلسات علنی را در حضور احزاب سیاسی، جامعه مدنی، رسانه ها، ناظرین ملی و بین المللی برگزار نماید (ماده ۲۴). در عین حال به کمیسیون وظیفه سپرده شده است تا همه تصامیم را بر مبنای قانون اساسی، قانون انتخابات و سایر قوانین کشور، اتخاذ نماید (ماده ۲۵). قانون به تکرار تصریح نموده است که تصامیم کمیسیون مستقل انتخابات نهایی و تغییر ناپذیر است (ماده ۱۴ و ۲۶).

قانون انتخابات سال ۲۰۱۳ جزئیات بیشتری در رابطه به پروسه های مختلف انتخاباتی ارائه کرده است که در قوانین گذشته وجود نداشت. به طور مثال، این قانون حق درج شکایت کاندیداها در خصوص صندوق های قرنطین شده را در کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی به رسمیت شناخته است و از کمیسیون مستقل انتخابات خواسته است تا طرزالعمل های را به هدف قرنطین کردن صندوق های رای ترتیب دهند (ماده ۵۷).

قانون انتخابات همچنان به کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت تفویض کرده است تا در برابر تصامیم کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی در صورتی که تصامیم را غیر عادلانه تشخیص نماید، اعتراض کند. اما با وجود این، کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی همچنان تصمیم نهایی را اتخاذ می کند (ماده ۵۹). فصل ۱۳ این قانون جزئیات بیشتری را در مورد چگونگی رسیدگی به شکایات ارایه کرده است و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی را موظف ساخته است تا طرزالعمل های واضح را در زمینه رسیدگی به منازعات انتخاباتی تصویب نماید (ماده های ۶۲ تا ۷۰). این درحالی است که ماده ۶۵ صرف اجازه می دهد که آرای کاندیداها زمانی که تخطی های چون تقلب، سواستفاده از قدرت، و استفاده از اسلحه توسط کاندیداها یا وابستگان شان صورت گرفته باشد، فقط در همان مرکز رای دهی باطل ساخته شوند. درحالی که شخصی مرتکب چنین تخطی ها شده باشد، ترجیحا باید از انتخابات رد صلاحیت گردد تا اطمینان حاصل شود که در آینده چنین تخطی های صورت نگیرند.

این قانون حدود صلاحیت کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، نهادهای تنفیذ قانون و قوه قضاییه را مشخص کرد. قانون همچنان اجازه داد تا شکایات یا یک منازعه که ماهیت جرمی داشته باشد، به نهادهای مجری قانون راجع ساخته شود (ماده ۶۸) بنا سایر منازعات تنها به وسیله کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی رسیدگی شوند. در نهایت، قانون انتخابات تمامی احکام متضاد را که در سایر قوانین برای اجرای انتخابات وجود دارد، ملغی می سازد (ماده ۸۰).

قانون کنونی انتخابات در کل از فعالیت ناظرین و نمایندگان در جریان انتخابات پشتیبانی مینماید. در حالی که ماده ۵۵ این قانون وظایف ناظرین و نمایندگان را تعریف کرده و این قید را آورده است که "آنان باید از اشاعه افواها و ایجاد تنش جلوگیری نمایند" چنین یک ماده مبهم می تواند به سادگی کار ناظرین و نمایندگان را تحت پرسش قرار داده و محدود بسازد. به طور مثال، در صورتی که یک ناظر و یا نماینده عملکرد یک مسوول انتخاباتی را در یک مرکز رای دهی تحت سوال قرار بدهد، این عمل وی می تواند "ایجاد تنش" تعبیر شود و ناظر و یا نماینده توسط مسوولین انتخاباتی خاموش ساخته شوند. بنا جمله "اشاعه افواها و ایجاد تنش" خود باید در قانون و یا هم در مقرر ها و طرزالعمل های بعدی تعریف شود.

این هم مهم است که دولت و نهادهای انتخاباتی به حضور نهادهای نظارت کننده انتخابات در سطوح مختلف پروسه انتخابات اجازه بدهند. در گزارش های که به وسیله هیئت های ناظرین بین المللی و ملی چون بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (FEFA)، انستیتوت ملی دموکراتیک (NDI)، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) و سایر نهادها ارائه گردیده، به تکرار شکایت شده است که سفارشات آنان در خصوص انتخابات گذشته، نادیده گرفته شده است. در صورتی که دولت و نهادهای انتخاباتی در همکاری با این نهادها نباشند و به آوردن اصلاحات بیشتر متعهد نباشند، در درازمدت، کار این نهادهای ناظر، موثر نخواهد بود.

۶. درس های که از انتخابات فرا گرفته شد

حاکمیت قانون چنین بیان می دارد: در صورتی که شما آنچه را که اتفاق افتاده است، نمی پسندید، اما با آن زیست دارید، تلاش نکنید تا قانون را خدشه دار ساخته، از قانون اساسی سو استفاده کنید و یا نهادهای مصنوعی را ایجاد کنید.

قاضی کریگلر، عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی ۲۰۱۰

سرانجام، با همه نزاع های قانونی و قانون اساسی در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰، یک حقیقت واحد بر ملا می شود: رژیم حاکم نتایج انتخابات را نمی پسندید و می خواست نتایج را با استفاده از هر وسیله ممکن به شمول اقدامات فراتر از قانون اساسی، تغییر بدهد. حکومت از قوه قضاییه برای وارد کردن فشار قوی علیه کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی جهت تغییر تصمیم شان، استفاده کرد. زمانی که نتوانست کمیسیون ها را وادار بسازد، محکمه را منحیث وزنه بی در برابر کمیسیون انتخابات ایجاد کرد و در نهایت منجر به تغییر نتایج انتخابات بدون کدام توجیه قانونی گردید.^{۱۴۹} نزاع قانونی و قانون اساسی در انتخابات پارلمانی بدون شک یک مشکل سیاسی را نیز برجسته ساخته است که عبارت است از: نبود احترام به قانون اساسی و حاکمیت قانون.

برای راه اندازی انتخابات موثر در افغانستان، این کشور نیاز به احترام به قانونمداری و حاکمیت قانون دارد؛ تفکیک با مفهوم قدرت که در یک قوه اجراییه مهار شده، یک پارلمان نیرومند و یک قوه قضاییه بی طرف و مستقل انعکاس بیابد؛ بی طرفی نهادهای انتخاباتی و توانمند سازی نهادهای نظارت کننده یا هشدار دهنده انتخابات تا به عنوان آگاه کننده و ناظر خدمت کنند.

تفکیک قوا در افغانستان در آستانه ناکامی قرار دارد. از این ناکامی بیشتر در یک بخش، صاحبان منافع سود می برند. به همین دلیل ایجاد اصلاحات در قانون اساسی برای تامین مجدد توازن قدرت در بین قوای سه گانه دولت، ضروری است. برای آن که این اصلاحات صورت بگیرد، باید اراده سیاسی به میان بیاید. در صورتی که ادارات دولتی همچنان غیر موثر باشند، مردم افغانستان اعتماد شان را نسبت به این ادارات از دست خواهند داد. این روند سایر نهادها، به شمول نهادهای انتخاباتی را که در عمل به طور قابل ملاحظه بی موثر بوده اند، متاثر خواهد ساخت. اعتماد مردم نسبت به نهادهای دولتی باید با آوردن اصلاحات برای تقویت حاکمیت قانون، احیا گردد.

استقلالیت قوه قضاییه در قانون اساسی افغانستان تضمین گردیده است، اما نیاز دارد تا همه ارکان دولت آن را احترام و رعایت کنند. تجربه افغانستان نشان می دهد که قوه قضاییه کنونی از چالش های متعدد، به شمول شایستگی و کفایت در امور قضایی، فساد، کمترین امتیازات و نداشتن خودمختاری مالی، متاثر گردیده است. به علاوه، مداخله قوه اجراییه خودارادیت آن را زیر سوال برده و استقلال قوه قضاییه را تضعیف کرده است.

۶.۱ سفارشات:

برای ارزیابی دقیق موفقیت انتخابات و توانایی نهادهایی که مدیریت انتخابات را در افغانستان برعهده دارند، نیاز است تا درک بهتری از شرایط عمومی سیاسی کشور که انتخابات در آن برگزار می شود، داشته باشیم.

پروسه برگزاری انتخابات بطلی یا آهسته، توام با مشکلات و با تقلب های وسیع به همراه بوده است. تلاش های که به هدف پاسخ دهی به این چالش ها با آوردن اصلاحات صورت گرفته، دارای نواقص بوده است. این در حالی است که برگزاری انتخابات منظم در افغانستان خود یک دستاورد بزرگ بود. این جریان عمدتاً به خاطر موجودیت چهارچوب کاری، تلاش های که عمدتاً توسط مسوولین انتخاباتی صورت گرفت، ادامه نظارت پروسه به وسیله ناظرین ملی و بین المللی و حمایت جامعه بین المللی از آن، ممکن شده است. با توجه به نظراتی که در این تحقیق مورد بحث قرار گرفت، سفارشات عمده که در این گزارش ارائه گردیده، قرار ذیل است:

اصلاح قانون اساسی افغانستان

- هر سه رکن دولت باید تلاش های مشترک را به هدف اصلاح قانون اساسی در کشور انجام دهند. اصلاح قانون اساسی باید منجر به تعدیل قانون اساسی شود که برای تامین توازن قدرت در افغانستان بسیار ضروری است. اصلاح قانون اساسی باید منجر به ایجاد شیوه های قوی نظارت میان ارکان سه گانه دولت و شیوه ها یا میکانیسم های درستی به هدف تطبیق آن شود.
- استقلالیت قوه قضاییه به عنوان یک پیش شرط برای حاکمیت قانون در آینده افغانستان به شمار می رود. نیاز است تا قانون اساسی طوری اصلاح شود که نقش قوه قضاییه به عنوان یک رکن موازی و مساوی با سایر ارکان دولت تقویت گردد و از نفوذ بیمورد قوه اجراییه جلوگیری شود. به صورت مشخص، پروسه گزینش قضات ستره محکمه باید با سختگیری دنبال شده و فقط در حیظه صلاحدید رئیس جمهور باقی نماند. دوره کاری که در قانون اساسی ذکر گردیده است، باید احترام و رعایت شود. قضات از امتیازات لازم برخوردار شوند، امنیت فزینی آنان تامین گردد و پس از بازنشستگی یک حق تقاعد مناسب برای آنان در نظر گرفته شود. قضا باید دارای خودمختاری مالی و بودیجوی باشد.

- صلاحیت های ستره محکمه و کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی باید به صورت واضح مرزبندی شود. به صورت مشخص چنین اصلاحاتی نیاز است تا به آشفته‌گی موجود روی صلاحیت تفسیر قانون و بررسی قوانین پایان بدهد. این صلاحیت های ستره محکمه نه تنها باید احترام شود، بلکه با آوردن تعدیل در ماده ۸ قانون کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی (ICOIG)، استحکام یابد. نقش کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی باید همچنان به عنوان نهاد نظارت کننده تطبیق قانون اساسی توسط همه نهادها در افغانستان، باقی بماند.
- به هر حال در حالت موقت، برای تامین قانونیت در افغانستان، نیاز است تا هر سه رکن تفکیک وظیفوی و ساختاری را که در قانون اساسی کنونی مشخص گردیده است، احترام بگذارند، به صورت مشخص، قوه اجراییه باید با توجه به احکام قانون از خود خویشنداری نشان بدهد و خود را مکلف به حسابدهی در برابر مردم و سایر نهادهای دولت بداند. از سوی دیگر، قوه قضاییه و پارلمان به عنوان دو رکن موازی با قوه اجراییه باید وظایف شان را بر مبنای قانون اساسی با نظارت از عملکرد قوه اجراییه، انجام بدهند.

برای دولت افغانستان

- دولت افغانستان باید همه تلاش ها را به خرج بدهد تا تضمین کند که پروسه انتخابات یک روند مصلحتی سیاسی برای رژیم حاکم نیست، بلکه باید پروسه انتخابات و قوانین مرتبط به آن را احترام کرده، و به عوض آن که پروسه را سبوتاژ کند و یا در آن دستکاری نماید، نتایج آن را بپذیرد.
- احترام گذاشتن به حاکمیت قانون یک نیازمندی جدی برای ثبات قانونی و سیاسی این کشور است. دولت باید به حاکمیت قانون احترام گذاشته و از هر نوع اقدام فراتر از قانون خودداری ورزد.

برای کمیسیون های انتخاباتی

- قانون انتخابات باید قبل از برگزاری انتخابات به وسیله پارلمان تصویب گردد تا کمیسیون ها بتوانند پروسه انتخابات را به موقع آغاز نمایند.
- کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی باید درک درستی از قوانین داشته باشند و طرز العمل ها و رهنمودهایی را به هدف کاربرد بهتر قوانین انتخاباتی روی کار بیاورند. هر دو کمیسیون باید کارمندان خود را قبل از برگزاری انتخابات در خصوص قوانین انتخاباتی طرز العمل ها و رهنمود ها به صورت درست آموزش بدهند.
- این کمیسیون ها باید به صورت مشترک، طرز العمل هایی را به وجود بیاورند تا هماهنگی بیشتری، با حفظ استقلالیت آنان، در کار تضمین گردد. به طور مثال کمیسیون ها می توانند طرز العمل ها در خصوص باطل ساختن آرا را در همکاری با یکدیگر به میان بیاورند.
- در حال حاضر هم کمیسیون مستقل انتخابات و هم کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی، نهادهای دایمی هستند. اما همزمان با ختم دوره کار اعضای آن، باید تعیینات جدید بدون معطلی صورت گیرد. پروسه گزینش باید بیشتر شفاف بوده و در برگیرنده نماینده جامعه مدنی و نمایندگی احزاب سیاسی باشد. برای تحقق این نمایندگی، ماده های ۸ و ۱۲ قانون انتخابات سال ۲۰۱۳ باید تعدیل گردند.
- تلاش های جدی تری باید به وسیله هر دو کمیسیون صورت گیرد، تا اعتماد مردم احیا گردد. در حال حاضر، بدبینی نسبت به انتخابات حکم فرماست. تجربه های چند انتخابات گذشته نشاندهنده بی باوری مردم است. هر دو کمیسیون باید در دیدارهای بیشتر با مردم، به صورت واضح تلاشها به هدف ایجاد اصلاحات را توضیح بدهند. آنان همچنان باید توضیح بدهند که چه قدم های برای جلوگیری از تقلب در جریان انتخابات، در حال برداشتن است.
- کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی باید در نزدیکی با کاندیداها کار نمایند تا سطح آگاهی آنان را نسبت به قوانین انتخاباتی و مهم تر از همه در مورد قواعد و طرز العمل های انتخاباتی، بلند ببرند. کاندیداها نیز باید در مورد عواقب تخلفی از قوانین آگاهی کامل داشته باشند. این در حالی است که در این مورد معمولاً تماسی میان آنان وجود نداشته است. بنا بیشتر اوقات، کاندیداها از طرز العمل هایی که به کار برده میشود و یا چگونگی پیشبرد آن، آگاه نیستند. ایجاد کانال ارتباطی قوی منجر به کاهش تقلب خواهد شد، در صورتی که کاندیداها و یا حمایت کننده های آنان در مورد عواقب تقلب به صورت درست آگاهی داشته باشند، شاید از مبادرت به تقلب خودداری ورزند.
- هدف از حضور گروه های نظارت کننده این است تا به نهادهای انتخاباتی کمک کنند که انتخابات آزاد و عادلانه را برگزار کنند. این هدف از طریق نظارت پروسه انتخابات، برآورده شده می تواند. لِهَذَا باید نه تنها به این گروه ها اجازه داده شود که پروسه انتخابات را در همه سطوح نظارت کنند، بلکه نگرانی های آنان در مورد درست بودن پروسه انتخابات نیز شنیده شود. نهادهای انتخاباتی باید به صورت جدی نظرات ارائه شده به وسیله این هیئت ها را در تلاشها به هدف آوردن اصلاحات بررسی نموده و آن را عملی نمایند. بدون دخیل بودن این هیئت ها، هیچ اصلاحی نتیجه دلخواه را در پی نخواهد داشت.

برای قوه قضاییه

- قوه قضاییه باید همه تلاش ها را به کار ببرد تا سبب ایجاد اصلاحات گردیده و این نهاد را به سوی موثریت و استقلالیت سوق دهد. این اصلاحات می بایست شامل تقویت شایستگی قضات، تعیین قضات براساس لیاقت و تضمین استقلالیت قضات و به طور کل، بیطرفی رکن قضایی گردد.
- قوه قضاییه نباید استقلال خود را با اجازه دادن به مداخله قوه اجراییه در امور قضایی و یا رهنمایی آن، زیر سوال ببرد. این در حالی است که قانون اساسی افغانستان برای تضمین استقلالیت قوه قضاییه باید اصلاح شود. اما حتی با صلاحیت های کنونی قضا در قانون اساسی، این قوه میتواند قویا منحيث یک رکن مستقل عمل کند.
- قوه قضاییه و لوی سارنوالی به عنوان نهاد مجری قانون باید مطالعه دقیق تخطی های انتخاباتی را آغاز کند. نبود پروسه های درست قضایی پس از هر انتخابات به فرهنگ مصئونیت در افغانستان کمک کرده و این روند منجر به رایج شدن بیشتر تقلب در انتخابات بعدی خواهد گردید. بسیار مهم است تا قوه قضاییه به جای مداخله در کار کمیسیون شکایات انتخاباتی، تخطی کننده ها را به عدالت بکشاند.
- صلاحیت رسیدگی به منازعات انتخاباتی به قوه قضاییه منتقل شده می تواند. اما باید قوه قضاییه بیطرفی و استقلال کاری خود را ثابت بسازد. همچنان باید این مسئله را یقینی بسازد که همه پیش شرط ها جهت ایجاد محاکم اختصاصی انتخابات را در مطابقت به قانون برآورده ساخته است.

برای هیئت های ناظر ملی و بین المللی

- هیئت های ملی ناظر باید از جریان پروسه نظارت کرده و برای مردم معلومات قابل دسترس را ارائه بدارند. آنان باید تلاش به خرج دهند تا فعالیت های شان را هماهنگ ساخته و بتوانند به تمام مناطق به شمول مناطقی که در آن تهدیدهای امنیتی وجود دارد، دسترسی یابند. انتخابات گذشته نشان داده است که امکان تقلب در مناطق ناامن بیشتر بوده است. بنا حضور ناظرین و نمایندگان در چنین مناطق بسیار مهم است.
- هیئت های نظارت کننده بین المللی باید به کار نظارت از انتخابات یکجا با نهادهای ملی، ادامه بدهند. مسوولین دولتی مربوط باید برای آنان تسهیلات لازم را در ولایات فراهم نمایند.
- تمامی طرف ها باید یکجا شده و انتخابات ده سال گذشته افغانستان را مورد بررسی قرار بدهند و به صورت مشترک یک ستراتیژی جامع را جهت آوردن اصلاحات ارائه نمایند. پروسه های انتخاباتی، چهارچوب و طرز العمل های مربوط به آن همواره در عقب درهای بسته نهایی شده اند. حالا پس از گذشت یک دهه انتخابات، افغانستان آماده ایجاد اصلاحات گسترده در سیستم انتخاباتی خود است. برای تحقق اصلاحات، همچنان باید اراده قوی سیاسی وجود داشته باشد.

ضمیمه

فهرست کسانی که با آنان مصاحبه صورت گرفته است

شماره	اسم	وظیفه
۱	شعيب تیموری	کارشناس حقوقی
۲	فضل احمد معنوی	رئیس سابق کمیسیون مستقل انتخابات (۲۰۱۰)
۳	ضیا رفعت	عضو سابق کمیسیون شکایات انتخاباتی (۲۰۱۰)
۴	فرید حمیدی	معاون سابق کمیسیون مستقل حقوق بشر و عضو اسبق کمیسیون شکایات انتخاباتی (۲۰۰۵)
۵	فہیم حکیم	عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی (۲۰۱۰)
۶	محمد امین احمدی	کارشناس حقوق اساسی و عضو کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی
۷	نادر نادری	بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه/کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
۸	قاضی سید مراد شریفی	رئیس سابق کمیسیون شکایات انتخاباتی (۲۰۱۰)
۹	شاه سلطان عاکفی	عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی (۲۰۱۰)
۱۰	عبدالله احمدزی	رئیس سابق اجرایی کمیسیون مستقل انتخابات
۱۱	نجلا ایوبی	عضو سابق کمیسیون مستقل انتخابات
۱۲	صالح ریگستانی	عضو سابق پارلمان
۱۳	احمد بهزاد	عضو پارلمان و مخالف محکمه اختصاصی
۱۴	شخص با هویت پنهان	یک مقام ارشد ستره محکمه
۱۵	میر احمد چوینده	عضو سابق پارلمان
۱۶	محمد علی ستیغ	کمیسیون شکایات انتخاباتی، رئیس دارالانشا
۱۷	محمد صادق صافی	عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی، ولایت قندز
۱۸	محمد اشرف	عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی، ولایت تخار
۱۹	محمد ضیا بیگزاد	عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی، ولایت سمنگان
۲۰	محمد اشرف	عضو کمیسیون شکایات انتخاباتی، ولایت جوزجان
۲۱	داکتر غلام حیدر علامه	کارشناس حقوق اساسی
۲۲	بشیر بیژن	کاندید سابق
۲۳	تیلیبرت لاوک	مسوول انتخابات، (NDI)
۲۴	گرنڈ کپین	ریس سابق کمیسیون شکایات انتخاباتی ۲۰۰۹-۲۰۰۴
۲۵	جان کریگلر	عضو سابق کمیسیون شکایات انتخاباتی ۲۰۱۰
۲۶	صفوت مصطفی صدیقی	عضو سابق کمیسیون شکایات انتخاباتی ۲۰۱۰
۲۷	پیتز لپیش	مشاور کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی

ماخذ:

- "Afghanistan's Elections Stalemate." Asia Briefing no. 117. Kabul/Brussels: International Crisis Group, 2011.
- "Afghanistan Parliamentary Election Observation." Kabul: Free and Fair Election Foundation of Afghanistan, 2011.
- Amendment to Clause 3 and Addendum to Clauses 4 and 5 or Article 37 of the Electoral Law, Decree no. 119 (Official Gazette no. 847), 2004 (SY 1383).
- Agreement on Provisional Arrangements in Afghanistan Pending the Re-Establishment of Permanent Government Institutions (Bonn Agreement), 2001.
- Ahmadi, Amin. "The Authority of Constitutional Interpretation in Afghanistan." <http://icoic.gov.af/Content/files/%D9%85%D8%B1%D8%AC%D8%B9%20%D8%AA%D9%81%D8%B3%DB%8C%D8%B1%20%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86%20%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%DB%8C.pdf> (accessed March 2014).
- An-Na'im, Abudllahi Ahmed. African Constitutionalism and the Role of Islam. Philadelphia: University of Pennsylvania Press, 2006.
- Austin, Reginald. "Afghanistan: An Electoral Management Body Evolves." In Electoral Management Design: The International IDEA Handbook, edited by Allan Wall, Andrew Ellis et al., Stockholm: International IDEA Handbook, 2006.
- Ayub, Fatima, Antonella Deledda and Patricia Gossman, "Vetting Lessons for the 2009-10 Elections in Afghanistan." New York: International Centre for Transitional Justice, 2009.
- Barakzai, Zekria. 2014 Presidential and Provincial Council Elections in Afghanistan. Washington, DC: United States Institute of Peace, 2013.
- Bork, Robert H. The Great Debate: Interpreting Our Written Constitution 43. Washington, DC: Federalist Society, 2005.
- Constable, Pamela. "Afghanistan's Hazaras Gain Clout in Disputed Parliamentary Elections." Washington Post Foreign Service, 24 December 2010.
- Constitution of Afghanistan. 2004.
- "Declaration on Criteria for Free and Fair Elections." Paris: Inter-Parliamentary Council, 1994.
- Dempsey, John and J. Alexander Their. Resolving the Crisis over Constitutional Interpretation in Afghanistan. Washington, DC: United States Institute of Peace, 2009.
- "Election Support Team Recommendations on 2005 Parliamentary Elections." Warsaw: Organisation for Security and Cooperation in Europe, (OSCE), 2005.
- "Election Support Team Report." Warsaw: Organisation for Security and Cooperation in Europe, Office for Democratic Institutions and Human Rights, 2010.
- "Election Support Team to Afghanistan: Recommendations on 2005 Parliamentary Elections." Warsaw: Organisation for Security and Cooperation in Europe, 2005.
- Electoral Law, 2004 (SY 1383).
- Electoral Law, 2005 (SY 1384).
- Electoral Law, 2010 (SY 1389).
- Electoral Law, 2013 (SY 1391).
- Elements of Convening Elections during the Transitional Period, Decree no. 110, 2004 (SY 1382).
- Ennis, David. "Analysis of the Electoral Legal Framework of Afghanistan: International Foundation for Electoral Systems." 2006. <http://www.ifes.org/Content/Publications/White-Papers/2006/Analysis-of-the-Legal-Electoral-Framework-of-Afghanistan.aspx>.

Fehrenbacher, Don E. *Constitutions and Constitutionalism in the Slaveholding South*. Athens, GA: University of Georgia Press, 1989.

"Final Report for Parliamentary Elections of 2005." Kabul: Election Complaints Commission, 2006.

"Final Report of Impartial Panel of Election Experts Concerning Afghanistan Presidential Election." Kabul: Impartial Panel of Election Experts Concerning Afghanistan Presidential Election, 2004.

Foschini, Fabrizio. "The Social Wandering of the Afghan Kuchis: Changing patterns, perceptions and politics of an Afghan community." Kabul: Afghanistan Analysts Network, 2013.

Hasebe, Yasuo, and CesarePinelli. "Chapter 1, Constitutions." In *Routledge Handbook of Constitutional Law*, edited by Mark V. Tushnet, Thomas Fleiner and Cheryl Saunders. Oxon: Routledge, 2013.

Henríquez, José de Jesús and AymanAyoub. *Electoral Justice: The International IDEA Handbook*. Stockholm: International IDEA, 2010.

Hewad, Gran, Martine van Bijlert and Thomas Ruttig, "A Hasty Process: New Independent Election Commission Announced." Kabul: Afghanistan Analysts Network, 2013.

Independent Election Commission, Decree no. 21, 2005 (SY 1385).

Interim Afghan Electoral Commission, Decree no. 39, 2003 (SY 1382).

International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), 1966.

"Islamic Republic of Afghanistan Presidential and Provincial Council Elections, Election Support Team Report." Warsaw: Organisation for Security and Cooperation in Europe, Office for Democratic Institutions and Human Rights (OSCE/ODIHR), 2009.

Joint Electoral Management Body, Decree no. 40, 2003 (SY 1382).

Kippen, Grant. "Elections in 2009 and 2010: Technical and Contextual Challenges to Building Democracy in Afghanistan." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2008.

Law on the Structure, Duties and Authorities of the Independent Election Commission and Independent Election Complaints Commission (Official Gazette no. 1112), 2013 (SY 1392).

"Legal Opinion on the Acting Positions of the Members of Supreme Court and Delay in Appointing and Introducing Ministers, Members of Supreme Court and Attorney General." Yearbook 1390, no. 37. Kabul: Independent Commission on Overseeing the Implementation of the Constitution (ICOIC), 2011.

"Legal Opinion on the Establishment of Special and Specialized Courts by the Supreme Court to Adjudicate Electoral Claims." No. 7. Kabul: Independent Commission on Overseeing the Implementation of the Constitution, 2009.

"Legal Opinion of the ICOIC on the Specialized Electoral Tribunal to adjudicate Electoral claims." No. 8. Kabul: Independent Commission on Overseeing the Implementation of the Constitution, 2009.

"Legal Opinion of the ICOIC on the Specialized Electoral Tribunal to adjudicate Electoral claims." No. 13. Kabul: Independent Commission on Overseeing the Implementation of the Constitution, 2010.

"Legal Opinion on the Special Tribunal for Adjudication of Dissatisfied Candidates' Claims." No. 8. Kabul: Independent Commission on Overseeing the Implementation of the Constitution, 2010.

Macdonald, Roderick, A. and Hoi Kong. "Judicial Independence as a Constitutional Virtue." In *Oxford Handbook of Comparative Constitution Law*, edited by Michel Rosenfeld and AndrasSajo. Oxford: Oxford University Press, 2012.

Mizan Gazette (Supreme Court Periodical), no. 147. 2010 (SY 1389)

Mizan Gazette (Supreme Court Periodical), no. 168, 2011 (SY 1390) <http://supremecourt.gov.af/Content/Media/Documents/16812122011121339216553325325.pdf>.

- Moschtaghi, Ramin. *Afghanistan Court Organisation and its Compliance with the Constitution and International Law*. Amended 3rd edition. Kabul: Max Planck Institute for Comparative Public Law, 2009.
- Nwabueze, B. O. *Constitutionalism in the Emergent States*. London: C. Hurst & Company, 1973.
- "Observation Mission: Parliamentary Elections 2010, Final Report." Kabul: Democracy International, 2011.
- Partlow, Joshana. "Problems in One Province Delay Afghan Election: Re-vote Possible, Officials Say." *Washington Post Foreign Service*, 24 November 2010. http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/2010/11/24/AR2010112400498_pf.html.
- "Press Release," Free and Fair Elections Foundation of Afghanistan, 16 December 2010
- "Press Release." Independence Elections Commission, 21 August 2011. http://www.iec.org.af/pdf/wolesi-pressr/pressr_deliberation_complaints_cn_wj_2010_21-Aug-2011.pdf.
- Rahim, Faiez and Heidi Vogt. "Afghanistan Courts Cannot Change Elections: Hamid Karzai." *Huffington Post*, 10 August 2011. http://www.huffingtonpost.com/2011/08/10/afghanistan-courts-election-hamid-karzai_n_922978.html.
- "Reforming Afghanistan's Broken Judiciary." *Asia report n°195*. International Crisis Group, 2010.
- Reynolds, Andrew and John Carey. "Fixing Afghanistan's Electoral System: Arguments and Options for Reform." Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2012.
- Reynolds, Andrew and Andrew Wilder. "Free, Fair or Flawed: Challenges for Legitimate Elections in Afghanistan." Kabul, Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2004.
- Rutting, Thomas. "Ghazni's Drama Election: It's the System." *South Asia Channel, Foreign Policy*, 2 December 2010. http://southasia.foreignpolicy.com/posts/2010/12/02/ghaznis_election_drama_its_the_system.
- Sadat, Saliha "Selection Committee and ECC 'Unconstitutional': IEC Chief," *Tolo News - Election 2014*, 27 July 2013.
- "Special Election Tribunal Press Conference." *Mizan Gazette (Supreme Court Periodical)*. Kabul: February 2010 (SY 1389).
- Supreme Court of Afghanistan Website, <http://supremecourt.gov.af/en/page/625>.
- Termination of Authorities of the Joint Electoral Management Body, Decree no. 110, (Official Gazette no. 874), 2006 (SY 1384).
- "The 2010 Wolesi Jirga Elections in Afghanistan." Kabul: National Democratic Institute, 2010.
- Tran, Mark "Afghanistan Elections Postponed," *The Guardian*, 24 January 2010.
- Trofimov, Yaroslav. "Afghan Supreme Court Asked to Void Election - Suicide Bombing Kills Six U.S. Troops in Kandahar Province." *The Wall Street Journal*, 12 December 2010.
- "U.N. Basic Principles on the Independence of the Judiciary." <http://www2.ohchr.org/english/law/indjudiciary.htm>. 1985.
- Universal Declaration of Human Rights (UDHR), 1948.
- "Voter Turnout Data for Afghanistan," International IDEA <http://www.idea.int/vt/countryview.cfm?id=4>.
- Worden, Scott and Sylvana Q. Sinha. *Constitutional Interpretation and the Continuing Crisis in Afghanistan*. Washington, DC: United States Institute of Peace, 2011.
- Worden, Scott. "Karzai Blinks in the Afghan election Crisis." *Foreign Policy, The South Asia Channel*, 10 August 2011. http://southasia.foreignpolicy.com/posts/2011/08/10/karzai_blinks_in_afghan_election_crisis.

پیشنهادات شما:

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و ورکشاپ‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما با ارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد. areu@areu.org.af

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیرید ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (+) ۹۳ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات، ...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می‌توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می‌توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

- اردوی ملی: بقا و ثبات فراتر از جنبه های مالی #
 - بررسی مختصر دولرداری در افغانستان، آریا نجات
 - توسعه تشبثات کوچک و متوسط و تجارت منطوقوی در افغانستان، مجیب مشعل #
 - حق آب و پروسه حل و فصل معضلات مربوط به آن در افغانستان: در حوزه فرعی سر پل، ونسنت توماس
 - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: ۲۰۰۲-۲۰۱۲: جمع آوری معلومات و تحلیل وضعیت، لینا گنیش
 - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: تحلیل وضعیت، لینا گنیش
 - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: جمع آوری معلومات، لینا گنیش
 - توانمند سازی اقتصادی زنان در افغانستان: ایجاد فضا و مساعد ساختن محیط، لینا گنیش #
 - اقتصاد بلخ در دوره انتقال، پاول فیشستین #
 - اندکی عاری از کوکنارو اندکی امحای آن: زرع کوکنار در ولایات بلخ و بدخشان در سالهای ۲۰۱۱، پاول فیشستین
 - مدل مدیریت خوب آب در افغانستان: خلاها و فرصتها، توماس ونسنت
 - زمین، دولت و مردم در افغانستان: ۲۰۰۲-۲۰۱۲، لیز آلدن ویلی #
 - تمام شرط بندی ها منع اند! چشم اندازها در مورد تخلف از موافقتنامه هاو کنترل مواد مخدر در هلمند و ننگرهار در دوره انتقال، دیوید منسفیلد
 - از الف تا یا کتاب رهنما برای کمک به افغانستان ترجمه نسخه یازدهم، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان #
- # این علامت نشان دهنده آنست که ترجمه نشریه مذکوره طور مکمل یا خلاصه به زبان دری قابل دریافت است.

۱۲ سال
تحقیق باکیفیت

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
(خانه ۱۴۴) (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۵۴۸ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۰۰۹۳
ایمیل: publications@areu.org.af
وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه انترتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.
همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.

